

لکن ما از این قانون استثناء شده ایم و باین جهت آنها برای خودشان بهانه پیدا کنند و خودشان را محروم نمانند از آن وظیفه که میبرند و گمان نمیکنم هیچیک از این ایرادات وارد نباشد و این ترتیبی که نوشته شده است بهتر و جایز تر است از این پیشنهادهایی که آقایان کرده اند بلکه بواسطه این قانون بآنها تکیه بد کرده اند اطلاق محبت نشود ماهنوز آنها را مجازات نکرده ایم میگوئیم یک محبتی درباره آنها شود و این یک چیزی نیست که آنقدر در مجلس مذاکره شود که هر کس کدرخانه خود نشسته است بگوئیم تو پول ما را بگیر و باروت بخر بسینه ما بزن .

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی است - اصلاحی از طرف آقای بهجت رسیده است قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده تقاضا میکنم لفظ پس از توت در محاکم نظامی ملاحظه شود .

**رئیس** - توضیحی دارید ؟

**بهجت** - بنده متقاعد شدم از بیانی که آقای مغبیر کردند لذا یک کلمه اضافه میکنم که یک محاکم قضائی بعد از توت در محاکم نظامی نوشته شود ( مجدداً پیشنهاد با اضافه محاکم قضائی بعد از محاکم نظامی خوانده شد )

**رئیس** - کمیسیون چه می گوید .

**مخبیر** - قبول ندارم .

**محمد شاه میرزا** - آقای بهجت باید م سبق باشند که همه این اشخاص در تهران نیستند که محاکم قضائی نظامی رجوع کنند آنها را محاکمه کنند در خارج مهران هم هستند و بعضی نقاط است که هنوز محاکم تشکیل نشده است و آنها را نمیتوانند از ولایات بطهران حاضر کنند و باید بکفوری باشد که این قانون اجراء شود مقصود اجراء شدن است آن اشخاص همه که در طهران نیستند که محاکمه کنند و این قانون در حق آنها اجراء شود اگر مقصود اشخاصی است که در طهران هستند یک مطلبی است علیحده اگر مقصود ترتیب اجراء این قانون است برای همه جا که با این ترتیب اجراء نخواهد شد بنده بکلی مخالفم یا این پیشنهاد و خاطر شان را متذکر میکنم اشخاصیکه بر خلاف دولت و ملت رفتار کرده اند البته هیئت دولت خودشان تعقیباتی که لازم است خواهند کرد بدیهی است چنانچه در قانون هم مصرح است بعد از تحقیقات و معلوم شدن مجازات خواهد شد گمان میکنم این جزئیات قابل آنقدر مذاکره نباشد بجهت اینکه اگر بنا باشد در اینگونه امورات جزئی سوء استعمال شود در چیزهای کلی باید خیلی تصورات بشود در صورتیکه مادر آنها می کنیم .

**رئیس** - رای میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای بهجت آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم بپاره که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است بیک مرتبه دیگر خوانده میشود ( مجدداً ماده مزبور قرائت گردید ) .

**رئیس** - آقایانیکه این ماده را به ترتیبی که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - در فقره مطلب

در دستور است یکی قانون اساسی معارف و یکی راجع بجزیره مرز است ولی قانون اساسی معارف را خواسته اند که تا روز پنجشنبه تعویق یفتند تا نظری در او بشنایند اگر مخالفتی نباشد لایحه راجع بجزیره هرگز مطرح شود .

**افتخار الواعظین** - بنده خودم این لایحه را تقاضا کردم که جزء دستور بگذارند ولی عقیده ام اینست که در وقت مطرح شدن این لایحه وزراء هم تشریف داشته باشند تا نظری بکنند در کمیسیون یکی دو تا از وزراء تشریف داشتند و در وقت مذاکره کردن نظریات خودشان را میفرمودند خوبست در مجلس هم که مطرح مذاکره میشود حضور داشته باشند و در وقت صحبت کردن نظریات خودشان را بفرمایند و در مجلس مدافعه بکنند بهتر این است بگذارند برای جنبه آتی که با حضور وزراء مطرح شود یا اینکه اگر امروز مطرح میفرمائید اطلاع بدهید یکی دو نفر از وزراء بیایند که در حضور آنها مطرح شود و بگذرد .

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا فرمایشی دارید مخالف هستید .

**سلیمان میرزا** - بنده میخواهم عرض کنم که بدون حضور وزراء صلاح نمیدانم یک همچو مطلب مهمی مذاکره شود .

**رئیس** - خیلی خوب پس میدانم که با حضور وزراء مطرح بشود دو فقره راپورت کمیسیون بودجه است قرائت و رای گرفته میشود بعد جلسه را ختم می کنیم راپورت کمیسیون بودجه راجع بمیرزا حسینخان دفتر دار مقول قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت گردید )

ماده واحده - یکصد و هشتاد تومان مادام - اجبوت درباره وراثت قانونی میرزا حسینخان دفتر دار که در کرمانشاهان مقول شده برقرار میشود

**رئیس** - خاطر آقایان مسبق است که این مطلب سابق بجلس آمده و بتقاضای یکی از نمایندگان تجزیه شد در قسمت اول رای گرفته تصویب شد و قسمت ثانی بلاتکلیف ماند حالا در این قسمت ثانی باید رای بگیریم مخالفی هست .

**حاج سید ابراهیم** - آنچه معلوم است که این یکصد و هشتاد تومان که در حق آنها برقرار میشود تصور نمیکنم که این وجه یک دایه باشد بلکه دولت میخواهد یک احسانی بپورته بکند چون کسی را ندارند که متکفل امور معاش آنها بشود رعایتی میکنند که مددی باشد برای معاش باقی ماندگان مقول اینست که یکصد و هشتاد تومان را تصویب کرده است و بنده یکصد و هشتاد تومان را زیاد میدانم و نود تومان پیشنهاد کردم که جمع بین جهین شده باشد یعنی آن اندازه که باید از حق آنها رعایت شود رعایت شده است و این مبلغ کمکی است بجای آنها و هم بودجه تحویل زیاد نشده باشد حالا اگر یکصد و هشتاد تومان را تصویب بکنیم خیلی اشخاص مستحق هستند که ما باید خیلی چیزها در حق آنها تصویب کنیم حالا برای این که بیک رعایتی در حق آنها شده باشد بنده نود تومان پیشنهاد کردم .

**حاج شیخ الرئیس** - موافقت بنده با این لایحه نظر با اطلاعاتی است که در اوقاتیکه در کمیسیون

عرض موظف بودم بر حسب امر هیئت رئیسه مکرر رسیدگیها کرده ام انصاف این است که این جوان بطور سختی کشته شده است که خیلی جالب دقت و رقت است و بیکم واجب اداری داشته است که درسایه او خواهرش و برادرش و مادرش گذران می کرده اند در اول جوانی بطور مظلومیت کشته شده است معلوم است موجب اداری او هم که یک خانواده از اوزندگی میکرد اند کشته شده است و حالا بهتر از این ترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است برای دلجویی بازماندگان او که در حقیقت دوسر خدمت کشته شده است و بظلم کشته شده است حالا از یک غیر مستحق قطع و درباره مستحق بر قرار میشود یعنی یک هیئت مستحقه داده میشود بنده خیلی خوشنودم بشوم اگر آقایان نمایند آن محترم همراهی بکنند که خیلی بیجاست .

**رئیس** - یک اصلاحی از طرف حاج سید ابراهیم رسیده است قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که سالی نود تومان در حق ورثه برقرار شود .

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح آقای حاج سید ابراهیم را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم بپاره واحده که از کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد خیر اشتباه شد اینجا باید قیام و نمود رای بگیریم بیکلیه را با ورقه این آقایانیکه این قسمت ثانی را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - رد شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به سبب المجهدين قرائت میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد ) لایحه وزارت مالیه راجع به آقای میر محمد خانقاهی قرائت گردید وزارت مالیه اظهار داشته اند که معزی الیه اظهار میدارد که در جزو مجاهدین اردبیل بوده و پدر مشارالیه جزو سوار قراول خانه آستانرا در سنوات سابقه حقوق میرد ولی بعد موضوع آن جیره و سوار از میان رفته اینک آقای میر محمد نظر بخدمات پدر خود نداشته نراه معاش تقاضای مقرری کرده و وزارت مالیه ماهی شش تومان مادام الحیوة درباره معزی الیه تصویب نموده بود پس از مذاکرات لازم چون تحقیقاً وزارت مالیه اظهار اطلاعی از خدمات معزی الیه نداشتند در وقت باظهار خود مستمسک شده بود با اکثریت آراء پیشنهاد وزارت مالیه رد گردید .

**رئیس** - مخالفی هست .

**حاج وکیل الرعایا** - گمان میکنم حال این سید بیشتر از این پیش آقایان واضح و محتاج توضیح بنده نباشد اما نمیدانم کمیسیون به چه ملاحظه رد کرده است البته مخبر محترم حاضر هستند اگر توضیحی دارند بگویند چون بنده یک جهت منطقی برای او میتوانم تصور کنم بعضی اشخاص را که دولت از برای آنها حقوق معین کرده و وظیفه داده است گمان میکنم کمیسیون از این توضیح لازم نداشته باشد این سید حالش گواهی میدهد که در اوست و چقدر خدمت کرده است .

**رئیس** - مذاکرات کافی است ( گفتند کافی است )

**رئیس** - آقایانیکه تصویب میکنند پیشنهاد کمیسیون را ورقه سفید خواهند داد ( شروع باخذ آراء گردید آقای حاج میرزا رضاخان عده اوراق را بشماره ذیل احصاء نموده ورقه سفید علامت قبول (۳) ورقه آبی علامت رد (۴۶) بلاسم سفید (۲) بلاسم آبی (۱) )

**رئیس** - راپورت کمیسیون رد شد یعنی تقاضای وزارت مالیه تصویب شد - دستور روز پنجشنبه در قانون اداره معارف شور دوم در قانون شرکتهای تجاراتی - راجع بجزیره هرمز - دو فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بنیابت سوم سفارت اسلامبول و آتش سفارت لندن مخالفی هست .

**مشیر حضور** - یک تقاضائی بامضای (۴۰) نفر از نمایندگان راجع بپورته عباسلیخان مقول شده بنده تقاضا میکنم که جزء دستور آید شود .

**رئیس** - خیلی خوب اگر وقت باشد در اینباب هم مذاکره می کنیم دیگر مخالفی هست (مخالفی نبود)

**رئیس** از وزارت داخله نوشته اند که در باب روزنامه رسمی تکلیف رامعین نکرده اند چون سابقاً هم که تصویب کرده بودند ششماه تصویب کرده بودند همین جهت هم چندی است که روزنامه رسمی طبع نمیشود خواهش کرده بودند که کمیسیون معارف منعقد شود راپورتنی در باب روزنامه رسمی بدهد که تکلیف وزارت داخله معلوم شود پنج شش مرتبه هم اعضاء کمیسیون معارف را خبر کرده و منعقد نشده است خواهش میکنم فردا کمیسیون منعقد شود و هر چه زودتر راپورت بدهند آقای آقامیرزا احمد و آقای حاج امام جمعه تقاضا کرده اند کمیسینی که برای امور آذربایجان معین شده بود راپورت خودشان را بدهند اگر آن کمیسیون مخبری معین کرده است راپورت آنرا بدهند .

**ارباب کیخسرو** - بریزور آن هیئت بهیئت وزراء رفتند و بعد از مذاکرات هیئت وزراء مقرر داشتند که آقای سردار بهادر بدون درنگ با استعداد بطرف آذربایجان حرکت کنند و جناب مشیر فرم خان هم مأمور شدند که تدارک لازم هم تهیه نمایند و حرکت کنند حکومت آنجا را هم که بهمه قومانفرما نداشته بودند باز امروز که کمیسیون منعقد شده قومانفرما هم در هیئت وزراء حاضر شدند و چند نفر هم از تجار آذربایجانی و چند نفر از وکلای محترم آذربایجان هم بودند قرار شد که باصافه (۴۸) - ساعت فرمان فرما حرکت کنند این است نتیجه اقدامات کمیسیون .

**میرزا احمد** - بنده در روز خودم آنجا حضور داشتم ترتیبی که فرمودند صحیح است ولی باید دید که باین ترتیب عمل شده است یا نه بریزور تلگرافخانه بودم تلگرافی از سردار بهادر رسیده بود که از آن تلگراف معلوم میشد که اطلاعی بایشان داده نشده است که حرکت کنند اگر باین ترتیب باشد گمان میکنم که باین زودبها با عزام حکومت موفق نشوند بنده تقاضا میکنم از این کمیسیون و از اعضاء محترم کمیسیون که یک قدری هم نشان را زیاد کنند وقتی که حرکت دادند و خبر حرکت آنها را بپادادند از ایشان تشکر میکنم .

**حاج امام جمعه** - از قراریکه از تبریز

میرسد کار تبریز خیلی سخت شده است و کار تبریز باینجا رسیده است که در دو فرسخی تبریز غله موجود است ولیکن زونبجه تبریز از گرسنگی پیش رویش میبیرد و نگاه میکنند دو ماه است میگوئیم تبریز بکلی محاصره است و دو ماه است میگویند حکومت بانجا اعزام میشود شاید دهنده خود بنده من فریرسم با وزراء گفتگو کرده ام و با جاهای دیگر هم گفتگو میفرستیم و حاکم آنجا را میفرستیم ولیکن بدبختانه همه حرف شده است تصور میکنم اگر تا در روز باینطور مسامحه شود پیش روی شما میگویم اگر بسامحه بکنواید خیلی نادم و ششمان میشود و این تکلیف شاهاست که باید جدبکنید و فریاد بکنید حکماً حاکم آنجا را بفرستید ماهیچ حق نداریم بگوئیم دولت که فلان را بفرستید یا فلان را بفرستید همینقدر عرض میکنم که باید حاکمی برای آذربایجان فرستاده شود و استعداد فرستاده شود آخر ما (آقا اگر اوصاف بفرمائید) این مشروطه را از آذربایجان داریم همینها که حالا از گرسنگی دارند میبیرند .

**رئیس** عرض کردم همان کمیسینی که معین شده است اگر لازم باشد فردا هم میروند با وزراء صحبت میکنند که حاکم و استعداد کافی هر چه زودتر بفرستد و همانطور که وزراء وعده کرده اند در (۴۸) ساعت حاکم آذربایجان حرکت کنند و استعداد هم فرستاده شود .

**رئیس** عرض کردم همان کمیسینی که معین شده است اگر لازم باشد فردا هم میروند با وزراء صحبت میکنند که حاکم و استعداد کافی هر چه زودتر بفرستد و همانطور که وزراء وعده کرده اند در (۴۸) ساعت حاکم آذربایجان حرکت کنند و استعداد هم فرستاده شود .

**رئیس** - آقای حاج شیخ الرئیس و جمعی از نمایندگان تقاضائی کرده اند خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای جلسه مخصوص فردا که چهارشنبه است سماعت بقرب مانده هیئت وزراء عظام بتلار تنفس احضار شود که عوم نمایندگان سئوالات فوری اساسی دارند .

**رئیس** - آقای حاج شیخ الرئیس توضیحی دارید بفرمائید .

**حاج شیخ الرئیس** - در این چند روز اخبار سامه خراش از بعضی حدود و شور میرسد و همه نمایندگان محترم مطمئنند چون از حقایق امور اطلاع نداشتیم و آنطوریکه بایست مطیع نبودیم و از طرف وزراء خبر نداشتیم که بنا بر وظیفه مقرر رسمی خودشان چه اقدام کرده اند و چگونه خواهد شد امروز بنده تقاضا کردم و آقایان هم همراهی کردند که جلسه خصوصی باشد ولی بنده عرض میکنم اگر در جلسه خصوصی تأمین برای بنده حاصل نشد یک تکلیف دیگری دارم در مجلس علنی .

**حاج عز الممالک** - بنده اینطوریکه اینجا نوشته شده است جلسه خصوصی را باطل میدانم و مخالف هستم که فردا جلسه خصوصی باشد زیرا چه مطلبی است که بایدما از ملت پنهان کنیم ولی حرفی ندارم که فردا جلسه فوق العاده باشد و این مطالب گفتگو بشود و علنی هر چه میخواهند صحبت بکنند ( گفتند صحیح است )

**رئیس** - رای میگیریم باین تقاضای حاج شیخ الرئیس آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد ( مجلس مقارن مغرب ختم شد )

**جلسه ۳۱۹**  
**صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۰ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶**  
( رئیس آقای مومن الملك ۳ ساعات قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نمودند و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح گردید . ( صورت مجلس روز ۳ شنبه هشتم را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمودند )

غائبین جلسه قبل - آقایان آقا سید محمد باقر ادیب - حاج مصدق الممالک بدون اجازه - آقای زنجانی با اجازه - آقای میرزا علی اکبر خان دهخدا مریم - آقایان سلیمان میرزا ۲ ساعت و آقا میرزا ابراهیم قمی ۵۰ دقیقه - دکتر امیر خان ۴۰ دقیقه - طباطبائی - معزز الملك - شریف المنداء هریک نیم ساعت از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند .

**حاج شیخ اسدالله** - در باب احتیابیکه وزارت معارف بجهت انشای مدارس خواسته بود نوشته شده است بنده و آقای بهجت اصلاحی پیشنهاد کرده ایم و حال آن که پیشنهاد بنده تقاضا بود که بکمیسیون برگردد اصلاح نبود .

**رئیس** - اصلاح میشود .

**لواء الدوله** - بنده در اظهاری که در خصوص حقوق درباری کردم عرض کردم که در کتابچه مقطوعات اسم اینها برده نشده و در این جا نوشته نشده است .

**رئیس** - همین قدر که مخالفت کردید مخالفت نوشته میشود جزئیات را که نمیتوانستند .

**ارباب کیخسرو** - اینجا نوشته است که بنده عرض کرده ام بسوی قریم خان خودشان بطرف آذربایجان خواهند رفت و حال آن که آنطور عرض نکردم عرض کردم اردو حرکت میکند و بسوی قریم خان مأمور است که تهیه لوازمات اینجا را ببیند .

**رئیس** - دیگر ملاحظاتی نیست ( اظهاری نشد ) صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد قانون اساسی معارف در شور دوم این قانون بعضی مواد رجوع شده بود بکمیسیون حالا راپورتش داده شده است ماده ۸ و ۱۰ - ۱۳ - ۱۴ - ۲۲ - مذاکره میشود ماده ۸ ( ماده هشت بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۸ - مکاتب و مدارس بر دو قسم است رسمی و غیر رسمی رسمی آن است که از طرف دولت دائر شده باشد غیر رسمی آن که پانی مخصوصی داشته باشد .

**رئیس** - مخالفی در این ماده هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - آقایانیکه ماده ۸ را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شده ماده ۱۰ ( ماده ۱۰ بعبارت ذیل خوانده شد )

ماده ۱۰ - کسیکه میخواهد مدرسه افتتاح کند باید رعایت شرایط ذیل را بکند اول مدیر مدرسه کمتر از سی سال نباید داشته باشد ۲ - بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفاظت الصحه که از طرف وزارت مقرر شده است فراهم نماید ۳ - در مدارس ابتدائی مدیر باید دارای تصدیقنامه تحصیلات متوسطه و در مدارس متوسطه دارای تصدیقنامه تحصیلات عالی باشد ۴ - مدیر مدرسه باید معروف بسوء عقیده







آقای حاج وکیل الرها یا فرمایش میکنند شرکاء مجبور نبینند که داخل در شرکت باشند اینصدا هم ابدأ مجبور نمیکند که داخل تجارت باشند لکن میگوید که شرکاء يك مسئولیت بلامحدی دارند حفظ سرمایه و اعتبارات آنرا باید بنمایند حالا اگر در آن مسئولیتش فرمایشی داشته باشند اینجا جای گفتگو است .

**حاج شیخ اسدالله** اگر چه بنا بر فرمایشی که میفرمایند این قانون بعنوان قانون شرکتهای تجاری پیشنهاد شده است و الا اینکه در اینجا ممکن است يك قدری تعمیم بدهند و گمان میکنند در این موادیکه بعد میآید منافی با اساس شرکت نیست مختص کردن بشرکت تجاری لزومی ندارد موادی هم اگر بعد از این بیاید که آنها هم راجع بشرکت تجاری باشد آنها را هم میشود اصلاح کرد که این قانون مطلق قانون شرکتهای باشد چه راجع بصنعتی چه بفلاحت بنا بر این ممکن است که چیزهای دیگر که راجع باین است اصلاح نشود ممکن است که بعضی از مواد که این لفظ تجاری یا چیزهای دیگر درش هست حذف شود و تعمیم داده شود چه تجاری و چه غیر تجاری و اعم از هر صحتی باشد .

**افتخار الواعظین** - اگر آقایان مواد بعد از ماده ۲۰۰ را مطالعه فرمایند که در آنجا باید با مضاف وزارت تجارت و عسلیه و پنج نفر از تجار معتبر برسد معلوم باشد که این قانون تجاری است و ابدأ قانون مطلق شرکتهای نیست و آن هنوز قانونش نوشته نشده ولی اینجا يك اصلاح عبارتی است میخواستم که عرض کنم اینکه نوشته شده است که بعنوان شرکتهای تجارت کنند (یا) زیادای است بعنوان شرکت تجارت کنند .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است) در فتره اصلاح پیشنهاد شده قرائت میشود اول از طرف آقای وحیدالملک بعبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول بجای (تجارت نمایند) نوشته شود (کسب و عمل یا معامله نمایند)

۲ - از طرف آقای بهجت خوانده شد بنده تقاضا میکنم که این عبارت از ماده اول که بعنوان شرکتهای تجارت نمایند)

**وحیدالملک** - بنده بنده اینجا تأیید میکنم فرمایش آقای حاج آقا را که شرکت اعم از آنکه تجاری یا غیر تجاری باشد ولی اینرا هم باید دانست کدر زبان خارجه شرکت تجاری خیلی دائره اش وسیع تر است از تجاریکه مادر زبان فارسی اطلاق می کنیم فرض فرمایند صرافیه و بانک يك رشته از تجارت است در خارجه ولی ما آن را با اسم بانک یا صرافخانه مینامیم . جزعشرکت نمیگوئیم در صورتیکه صرافیه يك رشته بزرگی است از تجارت خارجه و دامنه تجارت در ایران خیلی محدود و تنگ است لهذا بنده باسه لفظ این را تعمیم دادم که همه را شامل باشد (کسب) باشد کسب یکی از چیزهای معمولی داخله است و یکی لفظ (عمل) عمل هم برای صنایع و معادن میشود معامله برای صرافخانه و داد و ستد پولی لهذا اگر این لفظ را برداریم و بجای آن این سه لفظ را بگذاریم شامل تمام آن شعب که در خارجه است میشود و بهتر است .

**رئیس** - مخیر قبول میکند .  
**ذمعالملک** - بهمان دلیلی که آقای وحید الملک فرمودند تجارت شامل تمام اینها میشود و لفظ تجارت بهتر است .

**رئیس** - رأی میگیریم بقبول توجه بودن این اصلاح آقای وحیدالملک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - قابل توجه شد بر میگردد بکمیسیون یعنی مسانده برای روز دیگر (ماده ۱۲) ماده دو بعبارت ذیل قرائت شد

ماده ۲ - در شرکت خصوصی شرکاء شرعاً بطور لازم ملتزم میشوند که تاد برابر سرمایه مسئول جامع باشند باین معنی که هر گونه تعهد یا قرض بعنوان شرکت میشود در حدود ده برابر سرمایه حق داشته باشد از هر يك از شرکاء که بخواهند تمام طلب را مطالبه نماید بدیهی است شرکاء یا شرکاء که تعهد یا قرض شرکت را ابقاء کرده اند حق دارند از سایرین هر يك علی قدر سهم که برنمه او است مطالبه نمایند .

**رئیس** - مخالفی هست  
**آقا محمد بروجردی** - اینکه نوشته شده شرعاً بطور لازم ملتزم میشوند این لفظ لازم را لازم ندارد همین قدر کافی است شرعاً ملتزم می شوند .

**امام جمعه** - اینکه آقای آقا محمد گفتند راست است لکن چون التزام دو جور میشود يك وقت التزام را در ضمن عقد جائز می کنند آن وقت آن التزام هم جائز است ولی یکدمه التزام را در ضمن عقد لازم میکنند آن التزام لازم است و عتدش هم لازم است اینجا خواسته است این را بگوید که التزامش باید بطور عقد لازم باشد نه بطور جواز

**میرزا یانسی** - وقتی شرکت خصوصی باشد منایش این است که وقتی آن شرکت ورشکست میشود هر کس در آن شرکت هست تا آخرین دینار بموجب قانون ورشکستگان هر قدر از او و شرکاء ممکن است تحصیل بشود باید بدهند بنده اینجا منی دائم چرا کمیسیون تاده مقابل سرمایه معین کرده است مسئولیت شرکت خصوصی بلاحد است چر تاده برابر محدود کرده است

**افتخار الواعظین** - یاد آوری می کنیم که دو کله اینجا نوشته که مقصود از هر يك این دو کله يك چیزی است نوشته است مسئولیت جامع و بلاحد مسئولیت جامع را شرح داده است نسبت بده برابر سهم وقتی که شرکت میخواهد منعقد شود یکی یکی در ضمن عقد خارج ملتزم میشوند که تاده برابر سرمایه اگر کسی از شرکت طلبکار باشد از هر کدام از ما مطالبه کرد دریافت نماید باندازه ده برابر سرمایه مسئولیتشان مسئولیت جامع است که طلبکار از فرد فرد می توانسته مطالبه نماید ولی اگر يك وقتی شرکت آمد و باندازه ۲۰ مقابل مقروض شد آن وقت چه باید کرد باید باندازه ده مقابل را اینها ملتزم شده اند و از هر يك آنها می تواند مطالبه می کند و می کرد و ما بقی را هر کدام از شرکاء باندازه سهمشان باید تأدیه نمایند ولی ما زاد او را زهر کدام باندازه سهم فستمان میتواند مطالبه کند

**کاشف** - این جوابی که آقای مخیر دادند ابدأ متقاعد نمیکند در مقابل آن ماده يك که نوشته شده است شرکت جامع و بلاحد وقتی که شرکت جامع نوشته شود آن وقت نمی تواند بگوید بلاحد است و بلاحد نیست پس مقصود از این قانون این است که کسانیکه با اسم شرکت یکدیگر کسب میکنند همیشه افراد آن شرکاء مسئول باشند و در مقابل مردم یعنی همیشه بواسطه مسئولیت خودشان کمال مواظبت داشته باشند و سرمایه محفوظ باشد هیچ وقت نمیتوان گفت که شرکت بلاحد است و جامع است و بنده ابدأ این ماده دوم را باین ترتیب موافق با ماده اول نمیدانم و باید تغییر داده شود .

**حاج وکیل الرعايا** - مقصود از این ماده استحکام مرکز است کدر این ملک شعبه میخواهیم بشود و تحدید کنند اشخاص را که پولشان داخل در يك شرکتی است با احتیاط رفتار میکنند که يك ده یکی یاسدی پنج یاسدی ده چنانچه در جاهای دیگر رسم است يك وجبی از سرمایه خودشان را داخل آن شرکت میکنند بگردش بیندازند که اگر يك وقتی يك ضرری هم برای آن شرکت پیش آمد بتوانند از سایر سرمایه خودشان آن را بکشند از برای این شرکت تهیه کنند گمان میکنم که در ملک ما هم خوب است این ترتیب بده از این قانونی باشد که مردم بدانند که يك قسمت مالشان آنجا هست و هر اندازه از مالیکه پیش آنها می رود محل اطمینان هست .

**افتخار الواعظین** - ماده چهارم را اگر آقایان مطالعه فرمایند گویا رفع این محظورات خواهد شد و بنده خواهش میکنم که مواد این قانون را ملاحظه بکنند بجهت اینکه بعضی از مواد ممکن است بعضی محظوراتیکه در بعضی مواد دیگر بنظرمان میآید رفع کند .

**میرزا یانسی** - توضیحی که آقای مخیر دادند بنده را متقاعد نکرد شرکتهای دو جور است یکیش باحد یکیش بی حدی حد وقتی شرکتهای دو جور است اینست که چند نفر جمع میشوند مثل اینکه یک نفر معامله را میکنند مثل همان معامله است اگر يك شخص واحدی که خودش دارای صد هزار تومان است ده هزار تومان در يك کاسبی مخصوص میگذارد اگر از آن معامله ده هزار تومانی صد هزار تومان جزء مطالبات جمع بشود این حق ندارد که بگوید من از دارائی خودم این قرض را نخواهم داد تا دینار آخر از بابت آن معامله داده شود و آن مقروض حق ندارد میگوید من از اموال ده هزار تومان در این محل مخصوص گذاشتم باید تمام صد هزار تومان را بدهد و اینها هم که جمع میشوند بهین عنوان تجارت میکنند و نتیجه این خواهد شد که این اشخاص جمعاً و فرداً مسئول این قروض خواهند شد تمام مسئول آن شرکت میشوند از جمعشان مطالبه طلب از شرکت را کرد از خودشان هم میشود بهر کجا دست آن صاحب طلب برسد میتواند مطالبه طلب خود را بکند از اینکه رد شدیم يك تجارت محدودی است که بقدر يك آکسیون مسئول است یکی در مقابل آکسیون محدود است مثل این بانک شاهنشاهی در مقابل آکسیون که میگرد باندازه

آن مسئول است لکن هست دو مقابل سه مقابل ده مقابل صد مقابل اینجا يك جوری شده است که حدماتین شرکت های محدود و غیر محدود را گرفته است و این صحیح نیست بنده عرض میکنم که باید اینجا درست از هم جدا شوند بنده هیچ حرف ندارم که شرکت محدود باید بشود برای اینکه شرکت خصوصی در هیچ ملکیتی ترقی نکرده است و شرکت محدود است که میتواند از يكس گزری بجهت کار مخصوصی درست کند ولی باید قانون را درست نوشت و اینها را از هم دیگر سوا کرده که معلوم شود .

**حاج امام جمعه** - گمان میکنم که با زور اینجا قدری اشتباه بشود مسئولیت محدود نیست همان طور که نماینده محترم گفت فرضا شرکتهای کتوا هر کدام تا آخر دینار باید از دارائی خودشان بدهند محدودیت در مسئولیت نیست محدودیت در جاهیت است مقصود این است که طلب کار اگر بخواهد طلب خودش را از هر يك تا ده مقابل آن سرمایه شرکت طلب کار حق دارد از هر یکی مطالبه و دریافت بکند و او برود از دیگران مطالبه و دریافت بکند ولی اگر از ده مقابل گذشت باز مسئولند و باید بدهند منتهی این جامعیت می رود هر کس باید حقه خودش را بدهد همان طوری که مخیر محترم گفت در ماده چهارم میگوید جامعیت محدود است علاوه از آنکه غیر از این ممکن نیست و اگر غیر از این باشد که آن جامعیت را محدود بکنند و اینطور شرکت اصلاً ممکن نیست در این ملک متعقد بشود بجهت اینکه من نمیدانم تا کجا از او مطالبه خواهیم کرد و تا کجا مسئول است .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ؟  
**وحیدالملک** - غیر مذاکرات کافی نیست  
**رئیس** - ده دقیقه تنفس داده میشود (پس از بیست دقیقه مجدداً جلسه تشکیل شد)

**وحیدالملک** - بنده میخواستم عرض کنم بنده تا دو چیز را در این ماده ندانم نمیتوانم این ماده را بفهمم یکی آن که اولاً سرمایه يك شرکت محدود از اول معین هست یا خیر دوم آن که دولت حق تجسس و تفتیش در دفاتر شرکتهای دارد یا خیر اگر این مسئله را بنهم آن وقت میتوانم رأی بدهم ولی بنا بر اطلاعاتی که خود بنده دارم در شرکت های خصوصی سرمایه معین نمیشود سرمایه شرکت های خصوصی اعتباری است که اعضاء آن شرکت دارند فرض فرمایند ۲ نفر زید و عمرو اینها داخل يك شرکت میشوند از برای معامله تجاری و اینها مجبور نیستند که در بدو امر سرمایه برای خودشان معین کنند ولی هر ۲ دارای يك سرمایه مختصی هستند لکن اعتبارشان را برای اهمیت افکار روی هم میگذارند هر چه هست اعتبارشان داخل آن معامله و کسب میشوند دولت هم آنها را مجبور نمیکند که شما يك سرمایه معین بکنید و بان سرمایه تجارت نکنند دیگر آن که در وقت معامله دفاتر شرکتهای را دولت نمیتواند تجسس بکند و عمل کرد آنها را تجسس بکند نه راجع بشر نه راجع بقسط آنها پس اگر سرمایه اینها از اول معین نباشد و دفاتر آنها تحت تفتیش و تجسس دولت نباید آن وقت معنی این ماده بکلی لغو است و این ماده صحیح نیست پس بنده توضیح

از مخیر محترم میخواهم که بفرمایند این معنی رعایت شده است یا نه مینظور نوشته اند .

**افتخار الواعظین** - همان شکلی که فرمودند ما در شرکت خصوصی تکفیم که يك اندازه سرمایه شرکاء باید معین باشد هیچ همچو چیزی تکفیم توجه نفرمودند ما تکفیم که سرمایه این کار ۱۰۰ تومان باشد همچو چیزی برای تعیین سرمایه نوشته نشده است و حدی معین نشده است و بدولت هم حق داده نشده است که برود نفع و ضرر آنها را تفتیش بکند چون اینها اشخاصی هستند که خودشان را معرفی میکنند بنام شرکت و بعنوان شرکت با مردم طرف میشوند و بالای حجره شان مینویسند شرکت مینویسند شرکت محدوم و شرکاء چون با مردم شرکاء معامله کرده اند از برای آنکه فوق مردم را فراهم بکنند و در معاملاتشان زیاد قرض نکنند و يك وقتی مردم خیر شوند بهینند مردم چیزی ندارند یادارائی شرکت آن قدرها نیست برای اطمینان مردم آمده ایم اینجا را مسئول جامع قرار داده ایم که هر کدام مسئول دیگری است یعنی هر کسی هر مقدار طلب کار شد از شرکت میتواند از فرد فرد آنها طلب خودش را مطالبه کند و او ملزم باشد که بدهد و نگوید بروید از سایرین مطالبه بکنید و از این قرض يك سهمی بمن میبرسد و چون مسئولیت جامع در شرع مظهر مادامی که اندازه قرض و دین معین نشده باشد جائز نیست یعنی شما نمیتوانید بروید بازار و بيك تجاری بگوید که هر قدر جنس دادی بفلان کس من مقروض تو هستم و برزده شما باشد همچو چیزی ممکن نیست این شکل ضمانت در شرع جائز نیست برای اینکه بتوانند مسئول جامع بکنند بگوید بنده بنده گفتم که فرض آنها اگر مقابل ده برابر سرمایه باشد آنجا میتوانم مقابل ده برابر سرمایه از خود شرکاء مطالبه نمایم شاید منتهی اگر ده برابر را کم میدانند ممکن است که ما بگوئیم که بیست برابر صد برابر سرمایه ولی باید اندازه قرض معین باشد که اینها فرد فرد وقتی که قرض دیگری را برزده میکنند میدانند چه اندازه برزده داشته ولی اگر از آن اندازه خارج شد مسئولیت جامع ندارند ولی مسئولیت بلا حد دارند که باید با مزاد ده مقابل را هم بدهند ولی هر کدام باید با اندازه سهم خودشان بدهند این که مسئله است مسئله مسئولیت جامع نسبت بده مقابل یا ۲۰ مقابل مسئولیت بلاحد در مقابل هر مقدار از فرضی که از برای شرکت حاصل بشود .

**وحیدالملک** - بنده اینجا یا بنده نتوانستم آن نقطه نظر خودم را توضیح بدهم یا نتوانستم توضیحات مخیر را درست تلفظ کنم از یک طرف میفرمایند سرمایه معلوم نمیشود و معین نمیشود از يك طرف میفرمایند که تا ده برابر يك سرمایه را معلوم میفرمایند شرکاء فرد ملتزم هستند کدر برابر قروض شرکت بدهند بنده نمیدانم اگر سرمایه نامعلوم باشد چگونه میشود که اشخاصی را مقروض دانست تاده مقابل سرمایه نامعین این يك چیز فوق العاده میشود بنده عرض کردم در اینگونه شرکتهای خصوصی سرمایه اول معین نمیشود بیشتر سرمایه اینگونه شرکت ها اعتبار اشخاصی است

**وحیدالملک** - بنده اینجا یا بنده نتوانستم آن نقطه نظر خودم را توضیح بدهم یا نتوانستم توضیحات مخیر را درست تلفظ کنم از یک طرف میفرمایند سرمایه معلوم نمیشود و معین نمیشود از يك طرف میفرمایند که تا ده برابر يك سرمایه را معلوم میفرمایند شرکاء فرد ملتزم هستند کدر برابر قروض شرکت بدهند بنده نمیدانم اگر سرمایه نامعلوم باشد چگونه میشود که اشخاصی را مقروض دانست تاده مقابل سرمایه نامعین این يك چیز فوق العاده میشود بنده عرض کردم در اینگونه شرکتهای خصوصی سرمایه اول معین نمیشود بیشتر سرمایه اینگونه شرکت ها اعتبار اشخاصی است

کد داخل شرکت میشوند فرض کنید زید و عمرو داخل شرکت میشوند اینها هر کدام يك سرمایه دارند و يك اعتباری دارند میخوانند اعتبارشان را هم هر يك اول اعتبار دیگری گذارده تأسیس شرکتی کنند آن وقت متفقاً داخل تجارت بشوند سرمایه شرکت و اعتبار خودشان را رویهم میگذارند و مشغول شرکت میشوند در حالیکه هر يك ده هزار تومان نقد سرمایه گذارده اند که بیست هزار تومان سرمایه موجودی شرکت است لکن هر کدام صد هزار دوست هزار تومان اعتبار دارند آنرا هم روی هم گذاشته داخل شرکت شده اند آن وقت اعتبار اینها هم اعتبار شرکت میشود دولت هم نمیتواند آنها بگوید يك سرمایه برای شرکت معین کنید لکن اعتبار این شرکت مثلا شده است سیصد هزار تومان و آنها در مقابل ده هزار تومان مبالغی گوش مردم را می برند آن وقت دولت هم حق ندارد بنا بر این قانون کفتیش میکند در دفاتر آنها بيك مرتبه كطلب کارها آمده و مطالبه پولشان را کردند آیا تکفیلشان چیست سرمایه هر دوا ده هزار تومان یا بیست هزار تومان است و سیصد هزار اینها مقابل سرمایه شرکت باید ملتزم شوند کدر شرکت را بدهند ولی این چطور میشود اولاً سرمایه شان معلوم نیست ثانیاً اگر هم معلوم بشود اینها جلوا اعتبار آنها را نمیگیرند اینها اعتبار شخصی کار میکنند و مال مردم را گرفته اند و آن وقت چطور این ماده جلوا گیری خواهد کرد .

**افتخار الواعظین** - آقای وحیدالملک اشتباه کرده اند بنده عرض کردم ما شرکت را محدود نمیکیم یعنی نمیگوئیم در شرکت خصوصی سرمایه چقدر باشد لکن یکی از مواد شرکت خصوصی این است که سرمایه شرکت خصوصی معین باشد میگوید شرایط تشکیل شرکت خصوصی از قرار ذیل است اولاً مبلغ سرمایه و اگر يك قسمتی از آن جنس است تعیین قیمت آن بران اینکه بقول ایشان نروند یا ده هزار تومان سیصد هزار تومان کلاه مردم را بردارند دیگر آنکه در شرع اسلام شرکت باعتبار تشکیل نمیشود شرکت در اسلام این است که هر يك از شرکاء سهمی مال آورند و مخلوط بمال دیگری نمایند اما اینکه سرمایه مخلوط و ممزوج نشده شرکت اطلاق نمیشود .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفته کافی است)  
**رئیس** - رأی میگیریم باینکه آقایانیکه تصویب میکنند ماده دوم را بطرفی که قرائت شد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** تصویب شده ماده سوم را کمیسیون پیشنهاد میکند که حذف شود .  
**حاج شیخ اسدالله** - اگر بخواهند حذف کنند بنده مخالفم .  
**رئیس** اگر بخواهید باقی باشد باید شما اختیار بکنید و کتباً پیشنهاد کنید .  
**افتخار الواعظین** - آ ماده سوم را که کمیسیون پیشنهاد حذف آنرا کرده بجهت این بود که ماده دوم حاوی ماده سوم بود باین جهت رأی بحذف داده شد .



**حاج شیخ اسدالله** - در ماده سوم چیزی دارد که اینجا ندارد عقیده من اینست که همان ماده سیمی که رای محض دادماند باید باشد و بنده اختیاری میکنم و باید باشد در ماده سوم بنویسد هر یک از طلب کاران شرکت میتوانند طلب خود را تا مبلغ پنج برابر سرمایه از هر یک از شرکاء مطالبه نمایند و هر گاه از سه برابر اضافه باشد اضافه را از تمامی شرکاء بحسب سهم آنان در شرکت مطالبه خواهد کرد این مطلب خیلی لازم است مطابق آن فرمایشاتی که در این باب شده است ولی در این ماده بنویسد ده برابر و موقوف میکند با آماده نظر بمسئولیت جامع بلاحد و خودش تصریح میکند مسئولیت جامع بلاحد را چون در این ماده تصریح کرده است مسئولیت جامع بلاحد را عقیده بنده اینست که آن ماده نوشته شود یعنی باقی باشد و خیلی لازم می دانم که در این باب مذاکره شود.

**رئیس** - همان مطالبی را که میفرمائید در ماده دوم هست دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد )  
**ماده سوم** خوانده میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )  
**ماده ۳** - نظر بمسئولیت بلاحد در صورتیکه فروش شرکت بیشتر از دارائی شرکت شود فاضل آن باید از دارائی شرکت داده شود .

**رئیس** مخالفی هست ( اظهاری نشد )  
**رئیس** رای میگیریم بماده سوم که سابقاً ماده چهارم بوده آقایانیکه تصویب میکنند بطوریکه قرائت شد قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد ماده چهارم خوانده می شود .

**ماده ۴** - اسم شرکت باید متضمن اسمی شرکاء باشد یا اینکه لافل اسم یکی از آنها یا لفظ کلمبانی در عقب آن ذکر شود .  
**افتخار الواعظین** - اسم و عنوان شرکت نوشته شود .

**رئیس** - دیگر مخالفی در این ماده نیست رای میگیریم بماده چهارم با این اصلاح آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد ماده پنجم .  
**ماده ۵** - شرکت نامه باید بدو شرکاء نوشته شده و بهر یک از آنها نسخه داده شود .

**میرزا یانسی** - بنده یک پیشنهادی میکنم که هر یک نسخه با امضاء تمام شرکاء برسد و بهر یک یک نسخه داده شود .  
**حاج آقا** - شرکت نامه بمنشی این است که با مضای شرکاء برسد و از این جهت دیگر فید با امضاء شرکاء برسد لازم نیست همان لفظ شرکت نامه کافی است .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد )  
**رئیس** - رای میگیریم بماده پنجم آقایانیکه ماده پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده هشتم خوانده میشود **ماده ۶** - شرایط تشکیل شرکت از فراری است که در مواد ذیل ذکر هر کدام رعایت نشود موجب عدم انعقاد شرکت خواهد بود - اولاً مبلغ سرمایه اگر یک قسمتی از آن جنسی است تعیین قیمت

آن - ثانیاً اسمی شرکاء و حصه هر یک از آنان ثالثاً - مقصود ایجاد شرکت و مدت آن را با حقوق و درجه اختیارات مدیران شرکت - خامساً طور تقسیم منافع سالانه مابین شرکاء سادساً امتیازاتی که در باره بعضی شرکاء رعایت شده است سابقاً - تعیین مرکز شرکت .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - لفظ مواد صحیح نیست فقرات نوشته شود .

**حاج آقا** - خواستم سؤال کنم که تعیین مدت برای چه نوشته شده است .

**افتخار الواعظین** - نظر این در شرایط فسخ شرکت است که بعد خواهد آمد که فسخ شرکت و شرکاء لازم است که باید شرکاء معین بکنند که مادر چند مدت شرکت خواهیم کرد .

**رئیس** - مخالفی دیگر نیست - آقایانیکه ماده هشتم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شده ماده هفت خوانده میشود .  
**ماده ۷** - شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق دو صورت وقوع تنازع و تراض شرکاء مصدق بیشتر و بهتر از شرکاء غیر مصدق است دلالت بر احداث شرکت و ثبوت شرایط آن خواهد نمود

**آقا سیدحسین اردبیلی** - این ماده بنظر بنده ماده نیست که قانونیت داشته باشد . خوب است آقای مغیر توضیح بدهند که برای چه نوشته شده است

**افتخار الواعظین** - برای این است که اکثر حرم داشته باشند که شرکت نامه خودشان را مصدق نمایند تا اینکه در موقع تنازع و تراض بهتر حاضر باشند برای رسیدگی به تراض آنها و شرکاء مصدق بهتر دلالت میکند بر احداث شرکت و ثبوت شرایط و اگر مواد بعداً کدر باب مصدق کردن شرکت نامه نوشته اند ملاحظه فرمایند تصدیق خواهد فرمود که این ماده لازم است .

**حاج آقا** - بنده عقیده ام این است که این ماده بکلی راجع باین قانون نیست یک ماده است راجع بقانون ثبت اسناد و در آنجا هم نوشته شده است که برای اثبات سند هست چیزیکه هست ما باید بنویسیم شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق برای احکام بعد تصویب شرکت نامه مصدق را بنویسیم و الا حکمتش در قانون ثبت اسناد نوشته شده است هیچ ربطی باین قانون ندارد .

**معین الرعایا** - این حقیقت یک ماده است که میسراند که مردم حتی الامکان تشویق بشوند که شرکت نامه های خودشان را مصدق نمایند .

**حاج سید ابراهیم** - بله اینجا خیلی خوب است برای تشویق ولی این جا نوشته اند . که این شرکت نامه مصدق بیشتر و بهتر دلالت دارد این مناسبت ندارد مگر اینکه بنویسیم شرکت نامه مصدق در ادارات رسمی برسمیت شناخته میشود این هیچ ضرری هم ندارد

**معین الرعایا** - بنده میخواهم عرض کنم هیچ نمی توان انکار کرد که چیزیکه با امضاء دولت برسد معتبرتر خواهد بود بطور ممکن است آثار بکنیم که شرکت نامه مصدق یا غیر مصدق فرق دارد و یکی است

**رئیس** - رای میگیریم بماده هفت آقایانی که ماده هفت را تصویب می کنند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند )

**رئیس** - تصویب شد ماده هشتم خوانده می شود .

**ماده ۸** - برای مصدق کردن شرکاء شرکاء باید شخصاً در محضر وزارت تجارت و وزیر عدلیه حاضر شده فقره مسطوره در ماده ۶ و ۷ را اظهار دارند پس از آن شرکاء شرکاء باید بمهر و امضای وزارت تجارت و وزارت عدلیه و لاقلاً ۵ نفر از تجار معین رسیده در دفتر وزارتین مزبور متن ثبت شود و تمام این ترتیبات باید در متن شرکاء قید شده بمهر و امضای وزارت تجارت و یکی از حکام شرع برسد

**رئیس** - لفظ در محضر وزارت تجارت حذف میشود در وزارت تجارت و وزارت عدلیه

**حاج آقا** - چون ماده هفت شاید حذف بنده لازم میدانم اینجا نوشته شود شرکت مصدق است یا غیر مصدق آن وقت تفصیل و شرح مصدق را بنویسد والا این بی تناسب خواهد شد

**رئیس** - چون بعضی از مواد رجوع خواهد شد بکمیسیون دور نیست بعضی پیشنهاد میکنند در این ماده هم اگر تا آخر شور پیشنهاد نشد آن وقت می تواند پیشنهاد بکنند و رای بگیریم

**میرزا ابراهیم خان** - بنده بنا بر اینکه ماده هشت تکه میکنند بماده هفت می خواهم تقاضا بکنم که آن جمله اولی ماده هشت بجای ماده هفت نوشته شود که بگوئیم شرکاء یا مصدق است یا غیر مصدق پس از آن ماده ۸ نوشته شود

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است اصلاحی از طرف آقای ذکاء الملک رسیده است خوانده میشود ( عبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم این عبارت در اول ماده هشتم اضافه شود شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق .

**افتخار الواعظین** - آن ماده که تصویب شد شاید در کمیسیون تجدید نظری بشود و نوشتن بعضی جملات اخیر ماده را لازم بدانند پس خوب است حالا در خود ماده هشت مذاکره شود تا رایورت ماده هفت بیاید

**رئیس** - رای میگیریم با امضای آقای ذکاء الملک آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه شده نامه **ماده ۹** - در ولایات همین ترتیب معمول خواهد بود الا اینکه در باب مراسم راجعه بوزارت تجارت ( مابین تجارت ) اگر باشد والا ( بحکومت محلی ) و در باب مراسم راجعه بوزارت عدلیه ( مابین عدلیه ) رجوع میشود ولی دو نسخه مصدق باید با تمامات شرکاء بوزارت تجارت و وزارت عدلیه فرستاده شود و حاکم نیز مکلف است که سواد مصدق ارسال دارد که بوزارتین تجارت و عدلیه داده شود

**افتخار الواعظین** - اینجا اشاره شده است در باب مراسم در ولایات مابین تجارت و والا حکومت که کمیسیون نظری دارد که بنظر حکومت باشد بجهت اینکه تا چندین سال دیگر معلوم نیست که از برای

امناء تجارت اگر هم باشند بکدقتر مضبوطی باشد ولی حکام ثابت تر هستند و یک دفتر مثبت مرتبی در کابینه حکام هست که اسناد بهتر ضبط و ثبت میشود این است که باید نوشته شود حکومت و امین تجارت اگر باشد والا خود حکومت

**حاج عز الممالک** - در این ماده می نویسد در ولایات همین ترتیب معمول خواهد بود آن ماده هشت که رفت بکمیسیون معلوم نیست چه قسم رایورت داده میشود پس در اینجا لازم است نوشته شود بترتیب ماده ۸ معمول خواهد بود والا اینطور ابهام دارد صحیح نیست

**افتخار الواعظین** - ضرر ندارد نوشته شود در ولایات همان ترتیب ماده ۸ معمول خواهد بود الا اینکه نوشته شود بترتیب ماده قبل

**رئیس** - ماده نهم میماند تا اصلاح حاج عز الممالک برسد .  
**افتخار الواعظین** - بنده قبول کردم  
**محمد هاشم میرزا** - ماده قبل صحیح نیست نوشته شود ماده ۸

**رئیس** - رای میگیریم بماده نهم با این اصلاح مختصر آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده دهم **ماده ۱۰** - شرکت نامه غیر مصدق باید در طهران دو نسخه از آن یکی بوزارت عدلیه و دیگری بوزارت تجارت داده شود در ولایات یک نسخه در دفتر حکومت ضبط و دو نسخه دیگر برای وزارتین تجارت و عدلیه فرستاده شود .

**حاج شیخ الرئیس** - عرض طهران بنویسید پایتخت .  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بماده دهم با تبدیل لفظ طهران بیای تحت آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۱ **ماده ۱۱** - شرکت نامه چه مصدق چه غیر مصدق باید مطابق قانون ثبت اسناد آن را بآن تمبر الصاق شود .

**حاج شیخ اسدالله** - در قانون ثبت اسناد هیچ اجباری در خصوص ثبت و الصاق تمبر نبود این جا می نویسد که باید تمبر بشود اگر باید بشود آن وقت مطابق قانون ثبت اسناد نیست و اگر باید را بردارند مطابق قانون ثبت اسناد است

**افتخار الواعظین** - اینجا الصاق تمبر اجباری است ولی آن بجهت ترتیب است و از روی چه میزان تمبر الصاق میشود و حقوق گرفته میشود مطابق میزانی است که در ثبت اسناد معین شده است از برای شرکاء هم مطابق آن قانون باید تمبر الصاق شود و خود الصاق تمبر در شرکت نامه اجباری است بحکم قانون باید تمبر الصاق شود

**حاج شیخ اسدالله** - پس آن فقره اولی که می نویسد مطابق قانون ثبت اسناد باید حذف شود بنویسد که مطابق قانون ثبت اسناد الصاق تمبر شود دیگر مطابق قانون ثبت اسناد این جا زیادی است بجهت اینکه عدم مجبوری را میسراند ( مجدداً ماده قرائت شد )

**حاج عز الممالک** - بنده ملتفت نمیشوم که این لفظ چرا باید اینجا نوشته شود اگر مجبور میگردیم که شرکت نامه باید تمبر شود آن وقت دیگر بهیچ وجه فرقی بین شرکت نامه نبود فقط مصدق یا غیر مصدق بودن را بوجوب ماده ۸ که حالا به ترتیب دیگر پیشنهاد خواهد شد فرق نداشتیم آن وقت باید مصدق را بگوئیم حتماً باید تمبر الصاق شود یعنی مصدق وقتی میشد که تمبر برسد و غیر مصدق آن بود که تمبر نرسد .

**افتخار الواعظین** - بنده یاد آوری می کنم آقایان را که این نکته را در تمام مسواد از نظر محو بفرمایند این قانون نوشته نمیشود برای حفظ حقوق شرکاء این قانون نوشته میشود بترتیب حفظ حقوق اشخاصی که با آنها طرف معامله می شوند و این جا ما میگوئیم که تمبر الصاق شود برای این که بپردازد در اداره ثبت اسناد و عدلیه ثبت بشود بپسینند که چه شرایطی نوشته اند امروز یک شرایطی در شرکت نامه ها می نویسند و آن را بروزنامه جات اعلان میکنند مردم می بینند شرایط خوبی است موافق آن شرایط بآن ها و با این شرکت طرف معامله بشوند آن وقت ممکن است در صورتی که در اداره ثبت نکرده باشند آن شرایط تغییر بکنند یعنی اگر بپسینند مردم شرکت نامه را بپسینند که شرایط آن غیر از آن شرایط خوبی است که در روزنامه جات اعلان کرده اند باین جهت این جا میگوئیم که باید تمبر الصاق شود از برای اینکه آن شرکت نامه که نوشته میشود رسمی باشد و نتوانند موادش را تغییر بدهند مطابق موادی که بعد می آید در آن شرکت نامه که دویمی باید تمبر الصاق شود که رسمیت پیدا کند .

**رئیس** - مذاکرات کافی است دو فقره اصلاح هست که قرائت میشود ( از طرف آقا میرزا ابراهیم خان ) شرکت نامه چه مصدق و غیر مصدق باید تمبر بآن تصویب شود حقوق تمبر موافق تعرفه قانون ثبت اسناد در بسات خواهد شد ( از طرف حاج شیخ اسدالله )

موافق تعرفه قانون ثبت اسناد بشرکت نامه مصدق و یا غیر مصدق باید تمبر الصاق شود **رئیس** - آقای مغیر چه میفرمایند

**افتخار الواعظین** - پیشنهاد حاج شیخ اسدالله عین ماده است منتهی باینکه تقدم و تأخر عبارتی و آن بهتر است بنده قبول دارم .

**رئیس** - رای میگیریم بماده ۱۱ با این اصلاحی که آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد کردند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۲ خوانده می شود .  
**ماده ۱۲** - شرکت نامه اعم از اینکه مصدق یا غیر مصدق باشد باید در یک روزنامه مرکز شرکت اعلان شود اگر مرکز غیر از طهران هست علاوه بر روزنامه فوق باید در یکی از روزنامه جات طهران هم اعلان شود در صورتیکه شرکت شصت متدده داشته باشد شرکت نامه باید در روزنامه هر شهری که تبعه آن هست اعلان شود در جا هائیکه روز

نامه نسبت با اطلاع حکومت در پنج معبر مختلف شرکت نامه بطور اعلان نصب شود .

**حاج شیخ اسدالله** - یک عبارتی که قدری پس و پیش نوشته شده در مرکز شرکت در یک روز نامه باید اعلان شود این طور نوشته شود بهتر است .

**حاج شیخ الرئیس** - لفظ طهران را هم پایتخت بنویسید .

**معین الرعایا** - طهران عیبی ندارد قانون اساسی هم طهران نوشته است

**حاج سید ابراهیم** - بنده با حذف لفظ طهران مخالفم و عرض میکنم از هر جهت ما مورات خودمان را باید ملاحظه کنیم که مطابق قانون اساسی نوشته شود که اساس قوانین ماست در آنجا یک ملاحظه کرده است که پایتخت مملکت ما طهران است ما باید همان حکم را منظور بداریم مادامی که آن اصل فسخ نشده است پس تبدیل لفظ طهران بی پایتخت هیچ جهت ندارد .

**رئیس** - رای میگیریم بماده ۱۲ بترتیبی که در آن نوشته شده است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۳ خوانده میشود **ماده ۱۳** - حک و اصلاح و تراشیدن و اضافه کردن غدغن و متنوع است مگر آنکه تمام شرکاء عده الفاظ حک و اصلاح و تراشیده اضافه شه در حاشیه قید کرده و امضاء نمایند والا شرکت نامه از درجه اعتبار ساقط است و این مسئله وقتی است که حک و اصلاح و تراشیدن اضافه کردن قبل از مراسم ماده ۶ و ماده ۱۰ شده باشد بدیهی است که پس از اجرای مراسم مزبوره همه حک و اصلاحی که شده باشد ولو اینکه در حاشیه تصدیق بشود آن شرکت نامه بکلی از درجه اعتبار ساقط است

**رئیس** - اینجا پیشنهاد ۱۰۰۹ منوط است باینکه ماده هشت اصلاح شود و تصویب شود اگر ماده هشت حذف شد این ماده هشت ۹ خواهد شد مخالفی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - آقایانی که این ماده را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده چهاردهم **ماده ۱۴** - مادامی که مدیری برای شرکت معین نشده است هر یک از شرکاء در صورت لزوم میتواند فقط بقدر حقت اموال شرکت از ضایع و تلف اقدامات نماید بدلیل این ماده را هیچیک از شرکاء نمی تواند وسیله قرار داده اقدامات و معاملاتی که از حدود اقدامات حافظانه خارج است بنماید .

**رئیس** - مخالفی نیست رای میگیریم بماده چهاردهم بطوریکه قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند این ماده را قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد اگر مخالفی نباشد بقیه شور این قانون بماند بجلسه دیگر ( از طرف عموم نمایندگان تصدیق شد )

**رئیس** - رایورت کمیسیون فوائدها راجع بجزیره هرمز خوانده میشود و شور دوم است باید رای بگیریم که داخل شور دوم بشویم یا نشویم



آقایانی که تصویب میکنند داخل شور دوم بشویم قیام نمایند (اهلب قیام نمودند) تصویب شد

**رئیس** - تصویب شد ماده اول

ماده اول - دولت معین اکسید دوفر جزیره هرمز را از ابتدای حمل این تیل ۱۳۲۸ تا مدت ۱۰ سال شمس بقای حاج معینالتجار واگذار مینماید مشروط بر اینکه کلیه تعهداتی که مطابق یک قرارداد علیحده که در کابینه وزراء سابق بتاريخ ۱۶ شهر ذی قعدة ۱۳۲۸ با مستر استریک مقرر گردیده تا انتضاء مدت قرار داد که ۵ سال شمسی است حاج معینالتجار کاملاً مرعی داشته و هر گاه برخلاف فصول آن قرارداد رفتاری کند که موجب ضرر دولت باشد خسارات وارده بردولت را از عهده برآید.

**رئیس** - موافق پیشنهادی که آقای بهجت کرده بود یک عبارتی بر ابرورت ثانوی کمیسیون اضافه شده است فراموش کردند بخوانند که عبارت اینطور بوده بشرایط ذیل بقای حاج معین واگذار می نماید.

**مهر زایانسی** - مخالفت بنده در مسئله جزیره هرمز و دادن یک بخش مخصوص فقط راجع بان نظر کمیسیون است که در خصوص سیم تقاهم اینچاه عرض کردم هر کدام از منابع تروت دولت که بیک مدت معینی بنده مخالفم که بیک شخص معینی داده شود قبل از اینکه بزمایه گذاشته شود اگر این معادن خاک مال حاجی معینالتجار است بموجب قوانین سابق که در دست دارد پس چرا از او بگیریم و اگر مال او نیست و مال دولت است یا خود دولت مستقیماً استفاده کند و استفاده بکنند یا بنخواهد مستقیماً استفاده کنند و بسیاری دیگری که از او استفاده بکنند اگر میخواهد بدیگری بسیاری باید بزمایه بگذارد و شرایطیکه آن شخص داوطلب میخواهد آنرا اعلان میکند اگر شخص بهتر از او پیدا شد که قبول کند یا داده میشود و الا بشخص داوطلب اما در این مسئله بخصوص که حاج معین در این جزیره خیلی زحمت کشیده اند بله بنده هم عقیده می شوم که حق تقدم بحاج معینالتجار داده شود پس از گذاشتن بزمایه نه اینکه با خودش مذاکره شده باشد.

یک ملاحظه هم کرد راست است اگر بگم مدنی امروز استکشاف میشد از یک ناحیه و از یک تهری از تهور مملکت ایران بنده هیچ ضدیتی نمیگرم بلکه با کمال جدیت همراهی و موافقت میگردم که او را در مقام مزایه بگذارند ولی نظر با اطلاهاتیکه دارم و نمیخواهم بتفصیل بپردازم اگر این معامله که دولت از برای حاج معینالتجار یعنی اینکه وزراء پیشنهاد کرده اند اگر تصویب نشود بنده با کمال آزادی عرض میکنم یک ستمی کرده ایم بر یک رعیتی از رعایای ایران که قریباً بیست و هفتاد سال از برای این دولت خدمت کرده است و این معادن مثل سایر معادن متعلق بدولت است و معاملات دولت باید مطابق قانون اساسی و قوانینی که گذشته بصره دولت باشد و با اطلاع مجلس باشد و مجلس هم قبلاً بگم ماده وضع کرده است که بطور مزایه خواهد شد پس مطابق این دلیلی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند ما باید بصیغه ایی این معادن را به آقای حاج معینالتجار واگذار کنیم زیرا که پس از ده سال از همین دلائل را خواهند فرمود که آقای حاج معینالتجار زحمت کشیده است و اگر یک تاجر دیگری پیدا شود که بخواهد زیاد تر از این قبول کند معلوم است اگر امروز بزمایه بگذارند هستند اشخاص دیگری که زیاد تر از حاج معینالتجار میدهند چنانچه آقای حاج شیخ الرئیس این شخص را مثل یک ونجیر ملاحظه فرمودند با اینکه تمول و تروتی که از این معادن بایشان رسیده است بنده تصور نمیکنم در حق او سستی شده باشد و بنده هیچ نمی بینم که بکظم و تعدی بایشان شده باشد غیر از اینکه دولت بگم مدنی داشته است و او را سال های سال آقای حاج معینالتجار از او استفاده کرده اند امروز دولت هم میخواهد از آن معادن استفاده کند و از منافع گذشته هم حسابی نمیخواهد حالا میخواهد آنرا بطور مزایه بگذارد تمام مردمی که حق دارند از این معادن استفاده بکنند عرشه بهار هر کس بیشتر حاضر شد اجاره بکنند و کما بکنند به مخارج عمومی و خودش هم استفاده بکنند باو میدهند در صورتیکه آقای حاج معینالتجار در این کار خیلی بصیرت دارند یا مسازای شروط هر شرطی که سایرین قبول کرده اند ایشان هم قبول کنند و هم تقدم داشته باشند و هم سستی بایشان نشده باشد علاوه گمان میکنم که صرفه دولت مطابق شرحی که آقای معین الرعایا مفضلاً نوشته اند و همه آقایان دیده اند گمان میکنم که نباید باین ترتیب اجاره بدهیم این معادن را که ضرر از برای دولت داشته باشد و از یک طرف هم که نظر بمالیه حالیه میکنیم می بینیم مالیه ما خیلی کم است زیرا که ما خیلی محتاج هستیم بمالیه و از این حیث خیلی ضعیف هستیم و باین جزئیات از منابع تروتی خودمان باید صرف نظر بکنیم بهتر استفاده بکنیم و بنده گمان میکنم بهمانطور که آقای میرزا یانس اظهار کردند باید بزمایه گذاشت و اگر بطوری که آقای میرزا یانس اظهار کرده اند ایشان قبول کردند ایشان حق تقدم دارند.

**افتخار الواعظین** - بنده اینجا ناچارم عرض بکنم اگر چه خود وزراء در موقعی که این مسئله در کمیسیون فوائد عامه مطرح بود مخصوصاً

تمام وزراء در خدمت آقای رئیس الوزراء تشریف آورده بودند توضیحات دادند و البته خودشان حالا هم حاضرند توضیح خواهند داد اینجا یک مرتبه این است که یک معنی را که دولت کشف کرده است او را میخواهد بیک کسی برگذار کند اجاره بدهد یا اینکه بباشری او را بطریق امانت برگذار کنند البته وظیفه دولت این است که این را بطور مزایه اعلان کند و تمام اهالی مملکت را اطلاع بدهد که هر کس بهتر و ارزاتر از برای دولت تمام کرد باو داده شود بیک وقت این شکل نیست اگر دولت بیک کسی بگم مدنی را بیا یک جایی را برگذار کرده باشد در حالی که وقتی که بر میگرددیم سابقه آن می بینیم که قبل از آنکه این شخص در اینجا تصرفی بکنند دولت از آنجا استفاده نمی کرده است و از آنجا منتفع نشده است سهل است احدی از افراد ملت هم منتفع نشده است و یک انتفاعی که قابل اعتنا باشد نبرده اند پس از اینکه این شخص اینجار از دولت گرفته زحمتی کشیده اند مصارفی کرده اند تا اینکه خاک این معادن را در تمام جاهایی که احتمال نمیداده اند مشتری از برایش پیدا شود او را در مقام بیع و شرا قرار داده اند دولت هم آمده است در دوره استیاده مطابق یک فرمانی منافع این جزیره و خاک را برگذار کرده است بحاج معینالتجار در مقابل یک حق معینی که سالی دوازده هزار تومان یا چهارده هزار تومان که حالا درست در نظر بنده نیست گویا ۱۲ هزار تومان باشد پس وقتی که دولت میخواهد این جا را تصرف بکنند مثل آن مقامی است که تازه کشف و استکشاف شده است که بزمایه بگذارد این جا بدو ملاحظه بزمایه گذاشته نمیشود یکی بجهت اینکه حاج معینالتجار موافق یک فرمانی خودش را صاحب حق میدانند و دولت میخواهد بدان این جزیره بحاج معینالتجار تصدیق بکنند که من امضای دولت را معتبر میدانم و دولت میخواهد اعلان بکنند موافق آنچه در کمیسیون توضیحات دادند دولت نمیخواهد اعلان بکنند که اگر بکنند ایرانی آمد و با دولت معامله کرد منافع آن معامله زیاد باشد بکسی دیگر بدهد بلکه بگم مدنی را بدهد که چون او ایرانی است و از اتباع ماست ما آن معامله را بهم نخواهیم زد معاملات مادر مقابل خارج و داخل مساوی است از برای اینکه ایرانیها را تشویق میکنند که بیایند در این جور کارها امتیاز بگیرند و برون درمندان کار بکنند و منافع و تروتی که در زیر خاک است برون استکشاف بکنند بملاحظه این تشویقات است و بملاحظه حقوق سابقه که دولت بنده که اینجا وکیل هستم تصدیق و عدم تصدیق بنده گویا چندان مناط اعتبار نباشد ولی دولت تصدیق میکند حقانیت او را و میگوید در مقابل حقوق او میخواهم این جزیره را برگذار بکنیم بجهت بجهت اینکه من رفتم آدم گذاشتم مباشر من رفت خاک را استخراج کرد هر قدر که او از برای من منافع داد من بحاج معینالتجار گرانتر میدهم اگر او صدی ۲۴ برای دولت مصارف و مخارج تمام کرده است این شخص صدی ۱۵ بجهت مصارف ببرد و دولت در ۵ سال اول بحاج معینالتجار صدی ۱۵ بدهد و در ۵ سال دیگر صدی ۲۵ در صورتی که تصور نمیکنم که کسی دیگر اینطور قبول کند و یا اینکه بهتر از این دولت فایده برده باشد دیگر آنکه شاید یک نظر دیگری باشد

که هست دولت اینجا اطلاع را مصلحت نمیداند آن روز هم عرض کردم امروز هم عرض میکنم شاید در موقع اعلان اشخاصی پیدا شوند که صدی ۹۹ بدولت بدهد و یکی خودشان بردارند ولی دولت تصویب نمیکند برگذار این جزیره را بآنها بملاحظاتی که دارد تصویب میکند بحاج معینالتجار بدهد باین ملاحظات است و بنده هم عرض کردم.

**میرزا احمد** - اولاً بنده منکر نیستم زحماتی را که آقای حاج معینالتجار کشیده اند از برای این معین ولی از آن طرف هم آقایان نباید منکر باشند آن منافع زیادی را که برده اند اینجا یک اشکال قانونی است باید جواب قانونی داد طرفه از جواب صحیح نیست بر حسب قانون محاسبات عمومی که گذشته است و مجلس رای داده است این نوع معاملات را باید بزمایه بگذارند اگر آن ماده نسخ شده است و یک قانون دیگری بجای او آمده است بنده عرض ندارم و اگر خیر آن ماده نسخ نشده است و هست که چرا بزمایه نباید بگذارند و بنده تقاضا میکنم که آن ماده قانون محاسبات عمومی خوانده شود اگر شامل این معنی هست که نباید هیچ مذاکره کنیم و داخل آن شویم و رای بگیریم معیناً یک قانونی در اینجا گذشته است و اگر چنانچه نگذشته است و مجبور هم هستیم که این زودتر بگذرد ممکن است یک ماده نسخ او را پیشنهاد کنند و در او دو شور بکنند یا فوریت یک شور بکنند و رای بدهند آن وقت احوال کم است باینکه باید بزمایه گذاشته نشود دیگر آنکه میفرمایند دولت یک معامله کرده است و معامله دولت را نباید هم زد گویا نظر آقایان در معامله کمپانی خاصجات نیست که بالاتفاق رای دادند و رد کردند قریب ندارد اگر دولت یک چیزی را داده است مجلس ملاحظه میکند اگر دید قانونی نیست اگر از طرف دولت هم امضاء شده باشد مجلس رد میکند و او را نسخ خواهد کرد دیگر آنکه میفرمایند دولت تصدیق میکند حقانیت حاج معینالتجار را این را بنده نمی بینم که این تصدیق کردن یعنی چه اگر میگویند فرمان حاج معینالتجار صحیح است پس این پیشنهادی که دولت کرده است ظلم در حق او شده است اگر تصدیق بچنانیت او نکنند و معین را مال دولت میدانند باید بزمایه بگذارند بنده منکر نیستم که در صورت تساوی حاج معینالتجار مقدم بر دیگران است بنده از آقای مغیر محترم و از آقایان وزراء عظام استدعا میکنم جواب این اشکال قانونی را و جواب این ماده قانونی محاسبات عمومی را بدهند و از آقای رئیس هم تقاضا میکنم که اجازه بفرمایند آن ماده قانون محاسبات عمومی را بخوانند که ببینیم آن ماده شامل میشود یا نمیشود

**رئیس** - آن ماده قانون محاسبات را اینجا حاضر نداریم.

**حاج عزالممالک** - بنده داخل در اصل مطلب نمیشوم که حق با حاج معینالتجار است یا با دولت فقط خاطر آقایان را متوجه می سازم که نباید آنقدر از مطلب دور شویم و تصور بکنیم که ما هیچ از معین و زحمات حاج معینالتجار خیر نداریم حقیقتاً اگر این قانون را القاء بکنیم حکم بالفای امضای دولت کرده ایم بنده تعجب میکنم این شخص بکنند تاجر ایرانی است که با دولت یک معامله کرده

است اینجا صحبت میشود مزایه و منتهی درجه اش میگویند در صورت تساوی شروط اوحق تقدم دارد بنده تعجب میکنم که بکنند تاجر ایرانی در مقابل رقابت خارجه چطور میتواند رقابت کند و چطور میتواند مورد مزایه واقع شود فرضاً بگوئیم او در صورت تساوی شروط مقدم باشد اگر یک کسی پیدا شد که صدی یک این معامله را بکند و صدی ۹۹ بدولت بدهد حاج معینالتجار چه میتواند بکند و آنکھی این یک خاکی بوده است که مدت ها دولت در آن معامله کرده و نماینده گان محترم هم مسوق هستند که اداره گمرک که در حقیقت یک اداره منظم و مرتب قانونی است با کمال دقت و ملاحظه با وجودیکه اغلب اسبابهای آنجا مال خود حاج معینالتجار بوده است مدتی اینکار را اداره کرده و صدی ۲۴ مخارج برداشت خاطر صرف نظر از آن مطالبی که حاج معینالتجار بموجب قوانین و چیز های دیگر که در دست داشت و حق زحماتی که دارد این قرار داد را بترتیبی که ذکر شده است قبول کرده است و این ترتیب منافع دولت است امروز هیئت دولت بواسطه منافع خودش نسبت با اداره کردن آنجا و این که این منافع زیاد تر از آن منافعی است که خودش میخواست اداره کند و نسبت باین که یک رعایتی هم در حق حاج معینالتجار شده است این لایحه را تصویب کرده است در آن جلسه گذشته هم خیلی مذاکرات در این خصوص شده امروز هم مکرر آن مذاکرات تجدید میشود بعضی از ما ها عقیده دارند که با حتمناً این جا راجع بحاج معینالتجار واگذار کرد که اینجا دست بکنند ایرانی باشد بعضی عقیده دارند برای این که منافع دولت بیشتر شود بزمایه بگذارند و اعتقاد بنده این است بکنند فرضاً اگر صدی دو بخواهد بحاج معینالتجار از همین قرار بدهیم بهتر خواهد بود چون هر چه باشد این بکنند ایرانی است و مدتی هم اجاره داری کرده و زحمت کشیده است البته باید باین ملاحظات بار داده شود و این را هم منکر نیستم که میفرمایند باید بزمایه گذاشته شود البته باید معاملات دولت بزمایه گذاشته شود ولی خیلی معاملات شده است که بزمایه نگذاشته اند و استثناء کرده اند که حالا دیگر لازم نمایانم توضیح بدهم.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( گفتند کافی است )

**رئیس** - ماده اول دوباره قرائت میشود و رای میگیریم ( مجدداً ماده اول قرائت گردید )

**رئیس** - رای میگیریم بصاده اول بهمین ترتیبی که قرائت شد آقایان بکنند تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با کثرت تصویب شد ( ماده ۲ بمضمون ذیل قرائت گردید )

ماده ۲ - دولت متعهد میشود که از هر مقدار خاصی که علاوه بر ۱۴ هزار تن اکسید دوفر موجودی حاج معینالتجار که دولت اشیاع کرده و مبلغ ۲۴ هزار لیره که در ازای ۱۱۳۹۴ تن و به قیمت آن بزمی الیه حواله شده که برداشت نباید تا میزان ۳۰ هزار تن که بموجب قرار داد

باید بستر آسترک تحویل داده شود صدی ۱۰ بعنوان مصارف استخراج بحاجی معینالتجار بدهد مشروط بر این که اگر خاک موجودی حاج معینالتجار کمتر از ۱۴ هزار تن شد قیمت کمتر را تا ۱۲ تن از قرار هر تنی ۴۲ شلینگ و نیم بدولت علیه بپردازد و اگر خاک موجودی بیشتر از ۱۴ هزار تن گردید حاج معینالتجار حق مطالبه قیمت مقدار علاوه را ندارد.

**رئیس** - مخالفتی هست!

**هشتم رودی** - چون در این ماده بنده از راه شرعی یک اشکال میخواهم بکنم اگر نفهمیدم هم هم آقایان رفع خواهند کرد حالا دیگر آن تن را من نمیدانم معلوم است یک و زنی است یعنی یک مقدار معینی است مثلاً کیل است یا هر چه هست باو کار ندارم اینجا می نویسد ۱۱۳۹۴ تن که دولت اشیاع کرده یعنی بیع و شرا کرده و مبلغ ۲۴ هزار لیره هم که وجهش را حواله کرده است مثل اینکه یک خروار گندم که وزنش معلوم است خریده است به دو تومان سه تومان چهار تومان این خیلی معامله صحیح است ولیکن اگر یک طرف معامله مجهول شد بیع باطل میشود اینجا می نویسد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی حاج یعنی کمتر از ۱۶ هزار تن شد قیمت کمتر فلان اگر زیاد شد قیمت علاوه فلان پس معلوم میشود که این خاک ۱۴ هزار تن معین و معلوم نیست و این شرط بیع را باطل میکند و شرعی هم نیست حالا تفصیل آنها را بنده عرض نمیکنم مقصود این است که در شرع ما باید بیع و شرا معلوم باشد یعنی باید هر دو طرف معامله معلوم باشد اگر شرطی شد که بیع را مجهول کرد باطل میشود مگر اینکه اینجا لفظ اشیاع را بنویسند و از آن طرف هم خاک موجودی مقدارش را هم بنویسند ۱۴ هزار تن دیگر این شرط جور این شرط بیع را باطل میکند و بنده چون دولت اسلامی است هیچ روا نمی بینم در معاملات خودش چیزی نوشته شود که آن بشرع اسلام و با قانون اسلام موافق نباشد این است که بنده این را مخالفت میکنم.

**حاج امام جمعه** - چون این جمله و این معامله را بنده مسیوق خواستم بفرمایند مسیوق بشما عرض میکنم این معامله را مرحوم صنیع اللهوله که وزیر مالیه بودند در حضور بنده کردند آقای آقا شیخ اسمعیل صحیح میفرمایند این را اینجا که احدی معاوضین مجهول شد باطل میشود ولی اینجا قرار گذاشته اند هر قدر تن بیرون آمد از آن خاک که آنجا هست تنی بآن قدر خریداری میکنند هر چند در آید ۱۶ هزار تن باشد از ایشوار گرفته اند هر چه خواست در آید و تصور میکنم که هم آنقدر جهالت را بردارد و ۱۲ هزار تن را از او خریده است و این معامله عیبی ندارد و با اطلاع بنده آنرا کرده بودند چون خاکی که استخراج کرده بودند ملک او بود.

**لواء اولوله** - بنده در شور اول عرض کردم و حال هم عرض میکنم و یک پیشنهادی هم در این خصوص کردم این تن و شلینگ که نوشته شده است گویا انگلیسی است یا فرانسه است ما شرفان ایرانی است و زبان ما فارسی گویا برای ما ننگ باشد که زبان خارجه را مصطلح بکنیم و او را شرف فرض کنیم



بقیقه بنده بهتر است که بنویسیم خاک فرمز و تن را بنویسیم پنج من و ده من و شلینگ را بنویسیم پنج شاهی یاده شاهی بنده بنده نام این طور چه ضرر دارد و رئیس - پیشنهاد بکنید رأی بگیریم .

**افتخار الواعظین** - بنده برای استحضار خاطر آقای لواءالدوله عرض میکنم که این خاک در یک محلی است که وقتی که خرید و فروش میشود تلفظ باید و مشتری همین تن است و شلینگ معمولی خودشان است و در نزد هر دو معامول است که آن چقدر خاک است و این چقدر پول است .

**هشمرودی** - مختصراً عرض کنم بنده آنچه را که آقای حاج امام جمعه فرمودند درست ملتفت نشدم که بطور شده است ولی این شرطی که اینجا نوشته شده است لابد مجهول میکند آن خاک موجودی را چون نوشته است دولت متعهد میشود از هر مقدار خاکی که علاوه بر ۱۳ هزار تن آکسید دوز موجودی حاج معین التجار که دولت ایتباع کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره درازای ۱۱۲۹۴ تن وجهه قیمت آن بعمیزی البیه حواله شده از این معلوم میشود که این ۱۳ هزار تن موجودی دولت حواله کرده است و دیگر بنویسد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی که ایتباع کرده کمتر از ۱۲ هزار تن شد قیمت کسر ۱۳ هزار تن را که قیمت هر تن ۴۲ شلینگ و نیم است بدولت علیه بپردازد این شرط یقیناً آن ۱۳ هزار تن را که در آنجا نوشته شده است مجهول میکند چون این شرط بر میخورد بآن ۱۳ هزار تن خاک موجودی آنوقت چون دو طرفش را نوشته است که اگر زیاد شد فلا و اگر کم شد فلا معلوم میشود نه دولت نه حاج معین التجار زیاد و کمش را ننهمیده اند نه این طرف نه آن طرف اگر هر دو طرف کم وزیادی او را بنهمیدند آنوقت این عبارت قلم بود بقیقه بنده ۱۳ هزار تن را ننهمیده اند این قرار را کرده اند این شرط ۱۳ هزار تن را مجهول کرده است و بقیقه بنده باطل شده است و بیعش صحیح نیست .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( گفتند کافی است ) اصلاحی از طرف آقای مدرس اصلاح عبارتی است قرائت میشود ( ببارت ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که عوض حق مطالبه قیمت علاوه را ندارد نوشته شود مطالبه نخواهد کرد .

**رئیس** - آقای مدرس توضیحی دارید بفرمائید **آقای مدرس** - این جامسته سر تا بیام معلوم است در حقیقت که معامله کلی است این یک معامله کلی با این شخص تاجر شده است یک جنس هم در بین دارند اگر کم آمد باقی را باید بدهد اگر زیاد آمد در قانون نوشته نباید بگیرد و ما باید اینجا بنویسیم حق مطالبه ندارد و ما اینجا بنویسیم بنویسیم مطالبه نخواهد کرد نه اینکه حشش نباشد عرض آقای مخبر هم گویا واضح باشد .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید .  
**مخبر** - قبول دارم .  
**رئیس** - ماده دوم بنا اصلاح آقای مدرس قرائت میشود و رأی میگیریم ( مجدداً ماده دوم با ضمه مطالبه نخواهد کرد قرائت شد )

**رئیس** - رأی میگیریم بنده دوم آقایانیکه ماده دوم را بترتیبیکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲ ببارت ذیل قرائت شد .

ماده ۲ - حاج معین التجار ملتزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر آسترک را بعد از وضع ۱۳ هزار تن تا انتضای مدت قرارداد مستر آسترک بدولت کار سازی دارد و در صورت نرسیدن اقساط مقرر دولت قادر بر فسخ این قرار داد خواهد بود .

**رئیس** - مخالفی هست ( اظهاری نشد )  
**رئیس** - رأی میگیریم بنده سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۴ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۴ - اگر تا انتضاء مدت قرار داد دولت با مستر آسترک که ه سال اول باشد حاج معین التجار اضافه بر ۳۰ هزار تن که در این مدت مستر آسترک فروخته شده با مسترک یا دیگری بفروشد معادل صدی ۷۵ باید قیمت آنرا بدولت کار سازی دارد .

**رئیس** - مخالفی هست ( اظهاری نشد )  
**رئیس** - رأی میگیریم بنده چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۵ ( ماده ۵ ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۵ - پس از انتضاء مدت قرار داد آسترک هر مقدار خاکیکه از جزیره مزبور استخراج شود مگر از صدی ۷۵ آن حق دولت است و صدی ۲۵ از بابت مصارف و حق الزحمه بجای معین التجار تعلق خواهد گرفت .

**رئیس** - مخالفی هست ( اظهاری نشد )  
**رئیس** - رأی میگیریم بنده ۵ بترتیبیکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۶  
**مخبر** - راپورت دوم را بخوانید ماده ۲ ( ماده ۲ ببارت ذیل قرائت شد )  
ماده ۶ - که ماده دوم راپورت سابق بوده است قرارداد لازم بر طبق مواد فوق فیما بین وزارت فوائد عامه و آقای حاج معین التجار نخستین مبادله میگردد و **رئیس** - مخالفی هست .

**حاج آقا** - این ماده راز زیادی میدانم فقط این یک معامله ای است بین دولت و آقای حاج معین التجار این زیادی است لازم نیست .

**افتخار الواعظین** - البته برای تعیین مدت و شرایط و چیزهای دیگر لازم است که این معامله نخستین بشود که با وزارت معارف مبادله شود  
**رئیس** - رأی میگیریم بنده ۶ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۷ ( ببارت ذیل قرائت شد )  
ماده ۷ - تمام معاملاتی که حاج معین التجار در مدت ده سال در خصوص خاک فرمز آکسید دوز با هر کس بنماید باید با اطلاع دولت باشد .

**رئیس** - آنچه راپورت دوم نوشته اند راجع باین ماده است .  
**مخبر** - این خودش یک ماده علیحده است و بعنوان ماده ۸ است .

**رئیس** - بکمرتبه دیگر قرائت میشود رأی میگیریم ( مجدداً ماده ۷ قرائت شد )  
**رئیس** - مخالفی هست .  
**حاج شیخ الرئیس** - بنده باین ماده کمال موافقت را دارم ولی میخواستم بدانم مقصود از دولت وزراء است یا همان وزارت فوائد عامه است این را خواهش میکنم آقای مخبر توضیح بدهند .

**افتخار الواعظین** - معلوم است مراد از دولت هیئت دولت که تحقیقات نخواهند کرد اینکار راجع است بوزارت فوائد عامه برای اینکه دولت بداند که چقدر او فروخته است استفتاء بکند .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست - رأی میگیریم بنده ۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۸ از راپورت ثانوی ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۸ - اگر حاج معین التجار در مدت ده سال بیش از آن مقدار خاک که بصرف فروش میرسد استخراجی و ذخیره نماید متعلق بدولت خواهد بود .  
**رئیس** - مخالفی هست .

**آقا شمس جلی شیرازی** - بنده مخالف بواسطه اینکه حاج معین التجار صدی ۷۵ را میدهد یا نمیدهد لابد صدی ۷۵ را بدولت میدهد علاوه بر این در ماده ۷ نوشته است که بکشور و شرای او اطلاع دولت است هر قدر ذخیره میکند صدی ۷۵ بدهد چه ضرر دارد .

**افتخار الواعظین** - شاید یک رفتی حاج معین التجار آمد و قریب دو سوت خروار آنجا خاک انبار کرد و فروخت چون ما قرار دادیم با حاج معین التجار که اگر انبار کرد چون بدولت اجازه نمیدهد او مبادرت آن خاک است که در سال اول هر اندازه خاکی که استخراج کرد و فروخت در ۵ سال اول صدی ۱۵ بر دارد و در ۵ سال دیگر صدی ۲۰ بر دارد اگر در بین این ده سال علاوه بر خاکی که فروخت قریب صد هزار تن خاک دیگر در آورد در آخر سال کسکه دولت میخواهد آن انبار را از او بگیرد نگویید من تمام آنرا در آورده ام یک ربع این خاک هم مال منست یا هر وقت شما این را بفروشید صدی ۲۵ او مال من است خاکی که بیرون میآورد میفروشد چون یک مصرف معینی دارد مشتری معینی دارد دولت میخواهد محدود کند حاج معین التجار را اگر زیاد از مقدار معینی که فروش دارد بر دارد بفروشد و هر قدر فروخت - دارد اگر ذخیره کرد در آخر هر چند که ذخیره کرده است متعلق بدولت است و حاج معین التجار دیگر ادعائی نمیتواند بکند .

**حاج سید ابراهیم** - کسیکه این پیشنهاد را کرده است مقصودش این بوده است که این خاک فرمز مصرف معینی دارد زیاد بر او مصرف نمیشود باین جهت ممکنست دیگری بخرد و انبار بکند و بنده پیشنهاد کرده ام که نوشته شود بقدری که مصرف استعمال دارد

**بهجت** - بالکلیه بنده مخالفم باین ماده برای اینکه ضرر دولت است و میفرمایند این یک مصرف معینی دارد یعنی چه مصرف معین - این خاک حمل میشود با روبا مصارف زیادی هم دارد اگر یک مشتری حالا دارد شاید مشتری های دیگری هم پیدا بکنیم مانی توانیم بیش بکنیم در این ده سال باین همه تجدیدی که در عالم تمدن پیدا میشود این چه ضرری است که بدولت میزنیم ما نمی توانیم بگوئیم که حاج معین التجار یک ذخیره میکند و ذخیره هم در خاک ایران باشد و دزدی هم در او نباشد چون اگر دزدی میکند بالکلیه این قرار داد باطل است و کلیه معدن متعلق بدولت است و از این ترتیب تصور میکنم هیچ ضرری هم بنا عاید نشود و این یک جلوگیری است از معدن و اینکه میفرمایند یک مشتری معین و مصارف معینسه دارد این خلاف است ممکنست به مشتریهای متعدده فروخته شود و مصارف زیادی پیدا میکند لهذا این یک تمیزی است در مقابل یک منافعی که ممکن است برای دولت در آتیه بشود حالا اگر بخواهد حاج معین التجار این قرار را معمول بنماید این قرار دادی که شده است این یک مشتکی است و الا اگر در خود معدن در هم انباری که هست ذخیره بکنند هیچ ضرری عاید دولت نخواهد شد .

**افتخار الواعظین** - اینجا ما جنو فروش خاک را نگرفته ایم و فروش خاک دامجمود نکرده ایم گفته ایم بهر اندازه خاکی که بصرف فروش رسد حاج معین التجار بفروشد ولی از آقا شوال میکنم که در آخر ده سال که دولت میخواهد معدن را از حاج معین التجار بگیرد و یک مقدار خاکی که آنجا موجود است و بصرف فروش هم نرسیده است آیا میخواهد بگیرد که حاج معین التجار آنجا حق داشته باشد یا نباید داشته باشد کمیسیون نظرسنجی است که مادام که فروش نرسیده و حق نداشته باشد اگر بفروش رسد حق داشته باشد .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است .  
**وزیر امور خارجه** چه بنده گمان میکنم خوب است نوشته شود که اگر حاج معین التجار بعد از ده سال آن مقدار خاکی که بفروش میرسد بیش از آن مقدار خاکی که به مصرف میرسد استخراج کرد آن زیادتی متعلق بدولت خواهد بود .

**رئیس** - در این باب اصلاحی از طرف آقای حاج سید ابراهیم رسیده است .  
**حاج سید ابراهیم** - بند بعد از توضیحات آقای وزیر امور خارجه مسامحه میکنم .

**رئیس** - اصلاح آقای وزیر امور خارجه قرائت میشود ( ببارت ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که بیش از آن مقدار خاکی که به مصرف میرسد ذخیره کرد متعلق بدولت خواهد بود .  
**رئیس** - کمیسیون چه میگوید .

**مخبر** - قبول دارم .  
**حاج شیخ الرئیس** - اینطوریکه آقای وزیر امور خارجه توضیح دادند خیلی خوب است بنویسید متعلق بدولت خواهد بود و بجای معین التجار هم حق استخراج داد. نمیشود چون ممکن است بدولت

متعلق هم باشد و او هم مطالبه یک حق میکند .  
**رئیس** - دوباره ماده ۸ قرائت میشود .  
( مجدداً با اصلاح وزیر امور خارجه ماده ۸ قرائت میشود )

**رئیس** - رأی میگیریم بنده ۸ به ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد .

**رئیس** - رأی میگیریم بنده هشتم به ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
تصویب شد مذاکرات در کلیات است مخالفی نیست .

**آقا شیخ غلامحسین** - بنده با این چیزی که استس را قرارداد گذاشته اند مخالفت دارم و مخالف بنده نه از این رو است که بایک تاجر محترم ایرانی میخواهند یک قرارداد بدهند و برای دولت یک کاری بکنند بلکه مخالفت من از این رو است که با ما موافقت بماند اینجاکه وضع قوانین بکنیم و وزرای محترم ما موافقت هستند با اجرای آن مانعند که قوانین مجلس راهم مثل فرمانها و دستخطها و ابلاغهای صدراعظم های دوره استبداد فرض کرده یک روز وضع کرده و یک روز نسخ کنیم و بوقع اجرا نگذاریم مخالفت بنده از جهت عدم اجرای آن قوانین و مناقات این لایحه با آنها است و الا از آن جهت نیست که بایک تاجر محترم ایرانی یک مسامحتی بشود و یک انتقامی ببرد .

**حاج آقا** - اگر چه آقا فرمودند که مخالفت با کدام قانون داشت لیکن شاید نظر شما مخالفت با همان ماده قانون محاسبات عمومی بود که اینجا ذکر شد ولی کرا اینجا صحبت و گفتگو میشود و جواب هم داده میشود و خوب است آقایان توجه بکنند قانون محاسبات عمومی یک ماده جعل کرده که ماملاتی که دولت میخواهد بکند بطور مازاد باشد البته هر معامله که امروز دولت میخواهد بکند تمام اعضای مجلس و وزراء همراهم هستند که این معامله باید بطور مازاد باشد همان ضروری که آنجا مقرر شده است ولی این مطلب نه امروز بلکه مدت است که گفته شده است و نمایندگان محترم متذکر هستند که این یک معامله نیست که امروز دولت میخواهد با یک تاجر ایرانی بکند بلکه یک فصل خصوصی است که مابین دولت و یک نفر تاجر ایرانی ترتیب واقع شده است و آنها اقدامش از طرف مرحوم صنایع الدوله شده است که خیلی سعی کردند در دفع و فصل این خصوصیت و این بهترین ترتیبی بود که داده شد بجهت اینکه این شخص ادعائی بر دولت دارد و یک فرمان یا فرامینی در دست یک نفر تاجر ایرانی است و آن شخص ادعائی بر دولت داشته که دولت در آن فرامین بعضی نظریات داشت و مفهومی از آن میگرفته است و آن شخص که صاحب فرمان بود یک جور دیگر مفهوم میگرفت و یک طور دیگر تعبیر میکرد بدینند این که اسباب منازعه و تافسه میشود اگر آقایان خوب غور بکنند این ماده قانون محاسبات عمومی ماده ای است که بطور خوبی میشود او را فهمید که دیگر واضح باشد و تکرار حق استخراج داد. نمیشود چون ممکن است بدولت

شود البته هیئت دولت بعد از اینکه بخواهد در مقام معاکه و رفع تنازع حقوق آن کسیکه ذبح است محفوظ بماند طرف دولت باشد یا غیر دولت بایک هیئت حا که بنشینند و معاکه بکنند بطور حکومت حکم بکنند یا هیئت دولت در این معنی محکوم بشود یا طرف محکوم بشود یا اینکه اگر بخواهند یک طوری باصلاح بکنند لابد باید راضی یک ترتیبی باشند هیئت دولت هم بعد از آنکه اقدام کرد و از طرف خودش مأمور گمرک که مأمور قانونی است معین گردد فهمیدند خرج استخراج اینطور نیست آنوقت نشنیدند و با حاج معین التجار یک چنین قراردادی کردند بنده نمودم تصور میکنم حاج معین التجار که این را قبول کرد و با اینکه مخارج استخراج آن را با آن استمهادی که دولت داشت یا اینکه اسباب و ادوات استخراج مال حاج معین التجار بوده اقدام کرد و از قرارداد صدی ۱۴ خرج شد و او صدی ۲۰ قبول میکند و باو داده شده است و این نه از نقطه نظر منافع است بلکه از نقطه نظر اینست که تصور نشود که حاج معین التجار طرف بیوضیبت دولت واقع شده و علاقه جات و املاکش که در سرحدات و بناها است و بناها باین نظریک خساراتی بر او وارد بشود از این جهت خوب است آن علاقه جات خود را حفظ کند و الا تصور نمیکنم که یک نفر تاجر باینکه خود دولت با اسباب و ادوات او اقدام میکند و صدی ۲۴ خرج میکند باز از نقطه نظر منافع صدی ۲۰ قبول میکند این را باید از یک نقطه نظر دیگر دیدنه از نقطه نظر منافع و علی کل تقدیر از نقطه نظر منافع هم بگیریم که صدی ۱۵ و صدی ده هم اگر کسی حاضر باشد اقدام بکند و منافع دولت هم بیشتر و بهتر باشد ولی این از نقطه نظر مزایده نیست که دولت بدهد بلکه این یک فصل خصوصی است بین حاج معین التجار و دولت که آن فرامینی که او دارد او بکطور تعبیر میکند و هیئت دولت بعضی دیگر بکطور دیگر و بارها شنیدم از مرحوم صنایع الدوله که میگفت این یک فصل خصوصی است بین حاج معین التجار و هیئت دولت که اگر یک مجلس بکنیم که رسیدگی بکنند باین مسئله شاید حکم بدهند که حق با او باشد بشیر این حالا کار منجر شده است بتراضی و او را راضی کردند که این قرارداد را قبول بکند بنده گمان میکنم که چندان اهمیتی نداشته باشد و با آن تحقیقاتی که خود دولت کرده زیادتر از این گفتگو بشود .

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

شود البته هیئت دولت بعد از اینکه بخواهد در مقام معاکه و رفع تنازع حقوق آن کسیکه ذبح است محفوظ بماند طرف دولت باشد یا غیر دولت بایک هیئت حا که بنشینند و معاکه بکنند بطور حکومت حکم بکنند یا هیئت دولت در این معنی محکوم بشود یا طرف محکوم بشود یا اینکه اگر بخواهند یک طوری باصلاح بکنند لابد باید راضی یک ترتیبی باشند هیئت دولت هم بعد از آنکه اقدام کرد و از طرف خودش مأمور گمرک که مأمور قانونی است معین گردد فهمیدند خرج استخراج اینطور نیست آنوقت نشنیدند و با حاج معین التجار یک چنین قراردادی کردند بنده نمودم تصور میکنم حاج معین التجار که این را قبول کرد و با اینکه مخارج استخراج آن را با آن استمهادی که دولت داشت یا اینکه اسباب و ادوات استخراج مال حاج معین التجار بوده اقدام کرد و از قرارداد صدی ۱۴ خرج شد و او صدی ۲۰ قبول میکند و باو داده شده است و این نه از نقطه نظر منافع است بلکه از نقطه نظر اینست که تصور نشود که حاج معین التجار طرف بیوضیبت دولت واقع شده و علاقه جات و املاکش که در سرحدات و بناها است و بناها باین نظریک خساراتی بر او وارد بشود از این جهت خوب است آن علاقه جات خود را حفظ کند و الا تصور نمیکنم که یک نفر تاجر باینکه خود دولت با اسباب و ادوات او اقدام میکند و صدی ۲۴ خرج میکند باز از نقطه نظر منافع صدی ۲۰ قبول میکند این را باید از یک نقطه نظر دیگر دیدنه از نقطه نظر منافع و علی کل تقدیر از نقطه نظر منافع هم بگیریم که صدی ۱۵ و صدی ده هم اگر کسی حاضر باشد اقدام بکند و منافع دولت هم بیشتر و بهتر باشد ولی این از نقطه نظر مزایده نیست که دولت بدهد بلکه این یک فصل خصوصی است بین حاج معین التجار و دولت که آن فرامینی که او دارد او بکطور تعبیر میکند و هیئت دولت بعضی دیگر بکطور دیگر و بارها شنیدم از مرحوم صنایع الدوله که میگفت این یک فصل خصوصی است بین حاج معین التجار و هیئت دولت که اگر یک مجلس بکنیم که رسیدگی بکنند باین مسئله شاید حکم بدهند که حق با او باشد بشیر این حالا کار منجر شده است بتراضی و او را راضی کردند که این قرارداد را قبول بکند بنده گمان میکنم که چندان اهمیتی نداشته باشد و با آن تحقیقاتی که خود دولت کرده زیادتر از این گفتگو بشود .

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده آن تفصیلاتی که آقای حاج آقا فرمودند انکار نمیکنم که اینجا میخواسته اند یک فصل خصوصی بشود لیکن طریق این فصل خصوصیت این نبود و مجلس هم که وارد باینکار شد باین عنوان بود که یک فصل خصوصیت در داخله را داخل شده باشد بدیهی است اگر ایشان یک دعاوی دارند اسناد و احکامی دارند باید بروند استدلال بکنند در دعاوی ایشان معاکه میشود شاید حق ایشان داده شود ما نخواسته ایم بواسطه یک ماده حق را از ضایع کرده باشیم البته وقتی که حق ما داده میشود باید حق او باورسد و به اگر بخواهند بعد از ثبوت در معاکه حق او را ندهند آنوقت باید گفت یک قرار دادی که در باره اوشده و حکم در باره او داده شده است و او خرد



دعوی این را مبرکه است با دلایلی که در دست داشته بحق خودش ترسیده و این مخالفت از دو نقطه نظر است که در این لایحه می شود نه اینکه تنها نقطه نظر این است که رعایت يك قانون بدون مجلس نشده باشد که راجع بقانون محاسبات عمومی باشد بلکه يك نقطه نظر دیگر هم هست که این يك معامله ای است که دولت میکند یا یکی از اتباع خودش و در این خصوص هم يك قانونی از مجلس گذشته است و اگر يك جهات علاوه هم در نظر بوده است میتوانستیم در همان وقتی که آن قوانین را در نظر می گرفتیم آن جهات را هم در نظر گرفته باشیم و جزء آن قوانین که وضع کرده ایم از مجلس میگذرانیم ماده ۲۳ جوزا يك اختیاراتی دادیم بجزایه دار کال و این هم لابد در تحت یکی از آن مواد است و باید بنظر او هم برسد و این لایحه با آن ترتیب مخالفت دارد مگر در صورتیکه این ترتیب را در موقع وضع آن قانون در نظر می گرفتیم و جزء آن قانون وضع میکردیم و حالا داشته و اگر این شکایت را در نظر گرفته بود حالا میتوانستیم وارد این لایحه بشویم که هم رعایت قانون محاسبات عمومی شده بود هم رعایت آن قانون ۲۳ جوزا که اختیاراتی بجزایه دار کل دادیم.

**دکتر علی خان** - با این مذاکرات زیادی که شده است و با این گفتگوها تصور نمیکردم که در این آخر کار این اندازه شدیدت بشود باید واقف خیال کرد که میخواهیم يك مطلبی بگذرد یا اینکه واقعا ضمیمه میکنیم که نگردد از این مذاکراتی که اینجا میشود مقصود اینست که نگردد و بنده گمان میکنم این مذاکرات جا نداشته باشد بجهت اینکه کرا از طرف هیئت دولت که کمیسیون اظهار شده است که این يك مطلب مخصوصی است و شرایط مخصوصی دارد و مثل سایر معاملات نیست و وقتیکه این يك معامله مخصوصی بجز بجز خصوص شد البته باید نمایندگان هم يك نظر مخصوصی در این داشته باشند و اینجا بطور اشاره و کنایه آنچه باید گفته بشود گفته شد و اکثر نمایندگان را متقاعد کرد و بنده گمان میکنم که این خصوص زیاد بر این مذاکره لازم نباشد و رای گرفته شود.

**رئیس** - مذاکرات را آقایان کافی می دانند (گفته شد کافی است).

**رئیس** - رای میگیریم این پیشنهادی که از طرف هیئت دولت شده و مشتمل است بر هشت ماده آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بطریق ذیل احصاء نمودند ورقه سفید ۳۴ ورقه کبود ۱۴)

**وزیر داخله** - عقیده آقای رئیس الوزراه اینستکه حالا جواب داده شود ولی چون راجع به چند وزارتخانه است باید کتباً جواب بدهیم و روزش را هم معین میکنیم و اطلاع بدهیم.

**رئیس** - يك استیضاحی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم رسیده است قرائت میشود (ببابت ذیل خوانده شد).

مقام منبع دار شورای - این بنده از هیئت وزراء در خصوص تعیین و اعزام پیشکار مالیه جدید اصفهان و فارس استیضاح دارم از مقام ریاست متوقع که زودتر بوزراء اخبار فرمائید که در این جلسات معدوده که از دوره اجلاس مجلس باقی است حاضر جواب شوند.

**رئیس** - وقت این را هم برای همان روز معین میکنند.

**وزیر داخله** - ۰۰۰ خارجه - بله بله معین میکنیم میفرستیم

**رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه راجع بنیابت سیم سفارت اسلامبول خوانده میشود لایحه وزارت امور خارجه راجع بحقوق نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول مطرح گردیده وزارت امور خارجه تقاضا نموده بودند مقرر این خدمت بطور استثناء از بودجه وزارت امور خارجه از مجلس گذشته و نایب سوم بطور فوریت بطرف اسلامبول حرکت کند پس از مذاکرات لازم چون وجود نیابت در اسلامبول لازم است کمیسیون بودجه با اکثریت تصویب می نماید مبلغ نود تومان ماهیانه حقوق و تفاوت خرج نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول اعتبار بوزارت خارجه داده میشود

ماده - مبلغ نود تومان که ۵۰ تومان مقرری و ۴۰ تومان مخارج شام و نهار نیابت سوم سفارت کبری اسلامبول ماهیانه اعتبار بوزارت امور خارجه داده میشود این اعتبار از بودجه کل وزارت خارجه برگشت خواهد نمود.

**رئیس** - این مسئله دوم مرتبه آمده است بمجلس و بلا تکلیف مانده است باید تکلیفش معین شود يك مرتبه دیگر خوانده میشود و رای میگیریم (مجدداً ماده فوق خوانده شد)

**رئیس** - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بطریق ذیل احصاء نمودند ورقه سفید ۴۲ ورقه کبود ۲)

**رئیس** - با اکثریت ۴۲ رأی از ۶۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد چون دیر وقت است اگر مخالفی نباشد مابقی دستور میماند برای جلسه بعد دو نفر از آقایان اجازه خواسته اند گویا مطلبی دارند دستور روز شنبه بقیه شور دوم قانون شر کنه راپورت کمیسیون بودجه با تائید لندن ایضا راجع بنظام - الممالک و یکی دیگر راجع بورا عباس قلی خان مجاهد

**لواء الدوله** - تقاضای است چند نفر کرده اند تقدیم کردم.

**رئیس** - مال میرزا عبدالحمید خان مستخدم است یکدفعه رد شد دیگر نمیشود جزء دستور بشود.

**ادیب التجار** - بواسطه شدتی که در مسئله نان هست اگر چه این علاج فوری نمیکند ولی بجهت آینده قانون منع احتکار که تقریباً نوزده ماه است بنده پیشنهاد کرده ام يك جلو گیری است که بجهت دوره نمایندگان آتی برای اهالی این مملکت بنده تصور میکنم و خاطر مبارک حضرت عالی (آقای رئیس) مسبق است که چندین مرتبه یادآوری کرده ام که این را زودتر بیارند و جزء دستور گذاشته شود و

الحق مأمورین مالیه نهایت زحمت را کشیده اند و این مقدار جنس را حاضر کرده اند و بازم دارند میکنند راپورت نواقل را هم وقتی که شخصی نگاه بکند چنانکه امروز بنده چند تایش را دیده معلوم می شود که گندم بیش از سنوات سابقه وارد میشود اما با وجود اینکه گندم باندازه کافی از اطراف وارد میشود و از طرف دولت هم تا قبل از اول این ماه روزی هشتاد خروار و از اول این ماه روزی صد و پنجاه خروار پنجایز خانه داده میشود معذالك تیره امر نان چنانکه بر هیچیک از آقایان پوشیده نیست در نهایت سختی و تنگی و بدی است که دیگر مافوق بر آن در بدی منصور نیست در صورتیکه بنده تحقیق کرده ام خزانه دار کل اجازه داده است خباز ها وقتی که می آیند گندم تحویل بگیرند بیل خودشان هر نوع که میخواهند يك میکنند بعد از يك کردن بدون هیچ خاکری يك کرده بآنها میدهند معذالك کلیه اگر درست تجزیه کنیم نانهای تهران را هر چیزی دارد غیر از گندم خالص این امر نان وضع سختی و تنگی و گرفتاری عموم مردم هم بر هیچیک از ماها پوشیده نیست که يك نفر عمده بیچاره که زحمت بکشد از صبح تا نوبت که در قران یاسی شاهی اجرت بگیرد باید سه مقابل آن ناله کش در دکان نانوائی تحمل زحمت شود تا بتواند يك نان بدست بیاورد آن وقت چه طور آنرا بخورد بجهت اینکه همه چیز دار دیگر از گندم این مطلب بنظر من بسیار مهم است و نان معین تمام آقایان هم با من موافق باشند زیرا که راجع بر فاه عموم است و متأسفانه دوره انتخابات قریب با ختم است و قانون منع احتکار هنوز از جاه بیرون نیامده است و این قانون که شاید فایده بحال عموم داشت و ما را از این گرفتاری و تنگی خلاص میکرد هنوز نتوانسته ایم از مجلس بگذرانیم در هر کسایه که رفته است نظر شود همان طور از آن جا بیرون نیامده است تا این که آن کابینه تغییر کرده است حالا هم گمانم این است که اینقدر در کابینه بماند تا این که ماها دوره مان تمام بشود پس تقاضا میکنم از آقایان عموماً کابینه پیشنهادی را که جماعتی امضاء کرده اند تقریباً همه ماها امضاء کرده ایم مگر بعضی که نیامده اند ندیده اند این راجع باین مطلب است که چند نفر از طرف مجلس انتخاب شود که در عمل نان يك تقشیر و رسیدگی بکند که این امر نان چه معمای لاینحل شده است در صورتیکه گندم باین فراوانی و خوبی بآنها میدهند وقتی که می رود بدکان نانوائی چیز دیگری بر میگردد و آنهم باین سختی و تنگی برود رسیدگی و تقشیر بکنند که علتش چه چیز است دولت در حقیقت تحمل این ضرر شده ۱۰۰ خروار نصف خوراک تمام طهران را دولت میدهد و راه ها هم که باز است چه شده کنان باین تنگی و سختی است و مردم در این عسرت هستند دیگر آن که سعی کنند که آن قانون منع احتکار را زودتر بمجلس برسانند و عموم مجلسیان را خوشوقت بکنند تا این چند جلسه دیگری که مانده بتوانند يك قانون برای رفاه عامه اهالی وضع بکنند و بیچاره فقرا و ضعفا را از تنگی و سختی چه

از فراریکه فرمودند از جانب وزارت داخله تقاضا کرده اند و آنرا فرستاده اند بوزارت داخله چون موقع مام تیک است و البته وزارت داخله هم نظر ایشان را در این مدت کرده است کمیسیون هم نظرات جدیدی ندارد تقاضا میکنم که در دستور روز شنبه بگنارید اگر ایرادی با حال مشکلی هم باشد در همین مجلس شورای ملی میشود و امر اوقات این است که صرف کار ملت و مخصوصاً صرف حال فقرا و ضعفا بشود.

**رئیس** - بطوریکه عرض کردم وزارت داخله خواسته بود که نظریات خودش را بکند دو سه مرتبه هم نوشته ایم اعاده نداده اند باز هم تاکید میشود تا روز شنبه اگر اعاده ندهند میتوانیم تقاضا بکنیم که همان قانونی که از کمیسیون گذشته جزء دستور گذاشته شده مطرح مذاکره شود.

**سلیمان میرزا** - هر چند مسئله نان جزء ترتیبات قانونی نیست اما وقتی که درست نگاه کنیم از نظر اینکه راجع با اساس عموم است و بالنصوص فقرا و ضعفا و نجبرها در این موضوع وقتیکه تنگی و عسرتی واقع میشود بیشتر متلاطمند زیرا که آن بدبخت هایك نوکری ندارند که از صبح تا فریب برود معطل شود تا برای آنها نان بخرد اگر از صبح تا غروب يك اجرتی پیدا کند که شب را راحت باشند آنهم آبانان گیرشان بیاید باینجا بنابر این باید اورا بیشتر در نظر داشت و همیشه سعی کرد که مردم در رفاه باشند امروزه با وجود اینکه هنوز راهها مسدود شده است و با وجود اینکه دولت از اول این ماه روزی صد و پنجاه خروار گندم حواله کرده و خزانه دار کل مرتباً میرساند در صورتیکه در سالهای گذشته هم که بنده انتخاب شده بودم از مجلس از برای کمیسیون نان اطلاع دارم که هیچوقت بیشتر از صد خروار داده نشده بود باین مساعدتی که میشود که هر روز صد و پنجاه خروار از طرف دولت داده میشود و

امروزه چه در آتیه از دست معسکین خلاص و راحت بکنند.

**رئیس** - در این باب مخالفی هست (گفتند خیر)

**رئیس** - قبل از این که تشریف ببری يك کمیسیون ۶ نفری معین کنی (تقاضای مزبور نیز بمضمون ذیل خوانده شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که نظر با اهمیت عمل نان کمیسیونی از نمایندگان معین شود که با هیئت وزراء در این خصوص داخل مذاکره شده بودی عمل نان را تصفه نمایند (محل امضای ۲۸ نفر از نمایندگان)

**حاج آقا** - بنده اگر چه موقع گذشته و خیلی دیر است با این که مطلب خیلی مهم است خیلی مختصر عرض میکنم اگر چه مطالب مهمه آنقدر هست که واقعا نمیدانم کدام يك آنها را سؤال کنم و فکر کنیم ولی مطلب مهمی که امروزه برای ما پیش آمده است و اتفاق رو داده است در طرف جنوب این است که بعضی از مأمورین فرستاده اند برای مالیه جنوب و هیچ مأمور مالیه را نباشناسیم که سؤال کنیم یا توضیح مطلب را بخواهیم که این مأمورین بتصویب کی بوده و بچه ترتیب فرستاده شده مأمورینی که ملتشان معلوم است که انگلیسی هستند نمیدانم بچه جهت این ها را امور کرده اند و بنده حالا برش آقایان میرسانم که در فرستادن این مأمورین اگر ملت فارس یا اصفهان مخالفت کنند یا نه پذیرند آن وقت نتیجه این چه خواهد شد و مسئول این اقدام که خواهد شد از این جهت بنده تقاضا میکنم که از طرف مجلس آقای رئیس بنویسند آقای رئیس الوزرا که وزیر مالیه را معین کنند که کی است تا از او سؤال با استیضاح کنیم

**رئیس** - استیضاح را آقای حاج سید ابراهیم کردند آن روزیکه برای استیضاح حاضر میشوند ۲ شنبه یا ۳ شنبه باشد جناب عالی میتوانی مطالبات را در ضمن استیضاح بفرمائید.

مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد

**جلسه ۳۱۷**

**صورت شرح روز شنبه ۱۳ شهریور ذی القعدة الحرام ۱۳۲۶**

رئیس آقای مومن الملک يك ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان آقاسید سید محمد رضای مساوات - حسنعلیخان - ناصرالاسلام مریم - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - آقاسید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرره تأخیر نموده اند دکتر اسمعیل خان یک ساعت و نیم معزز الملک - دکتر رفیق - دکتر امیر خان ۳۰ دقیقه معین الزعایا - دکتر لقمان هریک نیم ساعت.

**رئیس** - در صورت مجلس ایرادی هست -

**آقاسید حسین اردبیلی** - در آخر مجلس اظهاراتی شد و اینجا اشاره نشده است.

**رئیس** - چوق اظهار آن مطلب صلاح نبود این بود که نوشته نشده است.

**آقاسید غلامحسین** - این جا نوشته شده است که مخالفت بنده فقط از حیث این بود که بنده این قرار داد را مخالفت با قانون محاسبات عمومی دانستم بنده عرض کردم چون مخالفت دارد با قوانین که سابق از مجلس گذشته است باین جهت مخالفت بدم و چون دیدم که تکرارش فایده ندارد این بود که اظهار نکردم و الا قانون محاسبات عمومی و قانون مصوبه ۲۳ جو زا هر دو مسئله را در نظر داشتم.

**رئیس** - همین طور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست. صورت مجلس باین اصلاح تصویب شد قانون شر کتهای تجارتمی و ماده بازردهم ماده ۱۰ - اختیارات مدیران را نمی توان بطور کلی و مهم تعیین نمود تمام شقوق اقدامات و معاملاتی که در حدود وظایف او است باید بطور واضح در شرکت نامه معلوم شود و همچنین اگر در باب خرید و فروش اموال متوله یا استقراض یا صلح دعوی به مدیر اختیاراتی داده میشود باید صریحاً در شرکت نامه قید شود.

**رئیس** - در ماده بازردهم مخالفی نیست؟ (گفتند خیر)

**رئیس** - رای می گیریم به ماده ۱۰ آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اعصاب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده شانزدهم خواننده میشود (ببابت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۶ = مدیر یا مدیران شرکت باید در رأس هر ششماه صورتی از قروض و دارائی و مطالبات مدت مزبور شده است بطور راپورت بشرکاء بدهند و الا مسئول خواهند بود و هر يك از شرکاء حق دارد بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر از این بابت ضرری وارد آید بر عهده مدیر یا مدیران است.

**حاج سید ابراهیم** - يك اشکال لفظی داشتم این کلمه (و الا مسئول خواهند بود) را يك عبارت بی نتیجه میدانم اگر مقصود اینستکه هر گاه مدیر ها در رأس ۶ ماه صورت بشرکاء ندادند هر يك از شرکاء بتوانند بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر ضرری هم وارد بیاید بعهده مدیران است همان عبارتی که نوشته شده است که بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه میکنند تا آخر ماده کفایت است و این جمله (و الا مسئول خواهند بود فایده ندارد)

**افتخار الواعظین** مخبر - این مسئولیتی را که اینجا نوشته شده است غیر از این مسئله است یعنی مسئول خواهند بود که اگر در رأس ۶ ماه بوظیفه خودش عمل نکرد و صورتی از قروض و دارائی و مطالبات بطور راپورت بشرکاء نداد و از این بابت ضرری وارد شد آن ضرر بر عهده اوست این مسؤلیت اول بعد اگر یکی از شرکاء آمد و مطالبه صورت کرد و مدیر یا مدیران مسامحه کردند در دادن صورت حق دارد آن شریک برود به محاکم عدلیه رجوع کند و بتوسط محاکم عدلیه صورتی از معاملات شرکت مطالبه کند از این حیث







بکلی غیر لازم و زائد می بینم بواسطه اینکه بعد از آنکه بنا شد با شرکت خصوصی و شرکاء معلومین کسی طرف معامله باشد بدیهی است که اینطور معامله و هر معامله البته استیجاز غیر تراضی است حتی اینکه باید مدیران را از حق مخصوص آزاد خود منع کرد بنده نیدانم اگر اینگونه احتمالات مانع از اجرای يك حق مشروع آزادی برای کسی باشد خیلی کار بسختی میکشد این بالاتر از این نیست که کسی قيم صغير است یا ولی مجنون هست برای صلاح آن مجنون یا صغير حالا که میخواهد مالش را بمرض بیع و شری در آورد برای اعاشه او خودش بدون وسیله و تقلب آن چیز را بفرد این معامله کی میگوید نامشروع است و کی میتواند چلو این معامله را بگیرد بنده بکلی با این ماده مخالف هستم یعنی هیچ لازم نیست و يك قيد زائد بیفایده است .

**افتخار الواعظین** - بنده برعکس آقای حاج شیخ الرئیس که این ماده را لازم نمی دانند بنده برعکس ایشان این ماده را خیلی لازم میدانم و عرض میکنم فرق است بین کسیکه وارد در عمل است و کسیکه خارج از عمل است شرکاء يك کسی را در میانه خودش انتخاب کرده اند و معین کرده اند با حق میدهدند که برای منافع شرکت یزد معاملات بکنند نه برای منافع خودش این چون وارد در عمل است میدانند که زمستان است برف آمده راهها مسدود است و فقط پس از یکماه ترقی کلی خواهد کرد امروز يك قیمت دارد ولی بلاحظه بعضی وسائل میدانند که در يك ماه دیگر قیمت نفت که سفارش خواهد شد خودش حق ندارد بدون اجازه شرکاء این نفت را بفرد و نفع را خودش ببرد باید اجازه بخواهد اگر اجازه دادند نمیتواند بفرد .

**رئیس** - مذاکرات کافی است اصلاحی آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ اینطور نوشته شود : مدیر شرکت یا مدیران بدون اجازه مخصوص کتبی شرکاء حق ندارند طرف معامله با شرکت واقع شوند .

**رئیس** - توضیحی دارید ؟ **ادیب التجار** - يك كلمه (کتبی) پیشنهاد کرده ام اضافه شود گمان میکنم که کمیسیون هم قبول کنند .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید ؟ **افتخار الواعظین** - اجازه کتبی البته بهتر است ضروری ندارد . (مجدداً ماده ۱۹ با اضافه کلمه (کتبی) خوانده شد .)

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۱۹ همین ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۰ (ماده ۲۰ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۰ - شرکاء در صورتیکه بخواهند تئیراتی در شرکتنامه بدهند شرایط ذیل باید رعایت شود اولاً اگر شرکتنامه اولی مصدق بوده شرکت نامه دومی نیز باید مصدق شود تائیباً شرایطی که برای

ترتیب شرکتنامه موافق مواد فوق مبین شده است باید رعایت شود تائیباً وقوع تغییرات در شرکتنامه اولی قید شود .

**حاج سید ابراهیم** - بند يك اشکال دارم که میگوید موافق مواد فوق نوشته شود موافق مواد این قانون یکی اینکه تغییرات که در شرکتنامه ها میخواهند بدهند گویا مراد این است که بموجب آن اولاً و تائیباً معلوم میشود که میخواهند تمام شرکتنامه را تغییر بدهند اگر اینطور است باید يك شرکتنامه جدیدی بنویسند اگر تمام شرکتنامه را تغییر نمیخواهند بدهند و جزئیات آن را میخواهند تغییر بدهند صحیح است والا باید نوشت اگر شرکت نامه را بخواهند تغییر بدهند نه تئیراتی دوشرکت نامه بخواهند بدهند .

**افتخار الواعظین** - اما آنچه اینجا نوشته شده است که تائیباً (تمام شرایطی که برای ترتیب شرکت نامه موافق مواد فوق مبین شده است باید رعایت شود) این صحیح است بجهت اینکه این آخر ماده است که در باب شرکتنامه خصوصی نوشته میشود و اما مراد از تغییرات تئیراتی کلی نیست مثلاً در شرکت نامه اولی قید شده بود که یکی از شعب این شرکت را در کرمان برای فلان کار تأسیس میکنند و حالا میخواهند موقوف کنند اینرا باید توضیح بدهند و در شرکتنامه اولی قید کنند که این در فلان ماده شرکت نامه اولی بود و تغییر کرده است مراد تغییرات جزئی است .

**رئیس** - دیگر مخالفی هست ؟ **حاج آقا** - بنده این شرط سیم را آنطوری که آقای مخبر فرمودند گمان میکنم آنطور نباشد مراد این بوده است که موادیکه در شرکتنامه تائیباً نوشته میشود در آن قید شود که الا ان بینشان تبادل شده در او بنویسند که فلان ماده تغییر داده شود باید قید شود اینجا اولی تغییر داده شد و همینطور نوشته شود بنده اینطور فهمیدم چون شرکت نامه اولی باطل است چیزی که در دستشان است شرکت نامه تائیباً است عوض این شرط سوم اینطور نوشته شود (موافق شرکتنامه اولی در شرکت نامه تائیباً قید شود) اینرا بنویسند هم عبارت واضحی میشود هم بهتر است .

**افتخار الواعظین** - اشتباه فرمودند اگر بخواهند در شرکت نامه دومی بنویسند دیگر وقوع تغییرات لازم نیست مثلاً اول آمده اند یک شرکت نامه نوشته اند و الا ان کرده اند و مردم بواسطه شرایط جزئی که شرکتنامه بوده است آمده اند شرکت کرده اند طرف معامله شده اند با این شرکت حالا پس از ۶ ماه می آید بعضی از این شرایط خوبدا تغییر میدهند برای اینکه مردم بتوانند يك وقتی بآنها بگویند که اینمواد را موافق شرکتنامه خودتان حق نداشتهید شرکتنامه را بیرون بیاورند اینجا نوشته است که تغییری که میخواهند بدهند آن تغییر را در شرکتنامه اولی هم قید میکنند که مراد مطلع باشند .

**رئیس** - دیگر مخالفی هست ؟ **حاج شیخ الرئیس** - عرض میکنم اگر چه مخبر محترم اینطور تئیر فرمودند که تغییرات جزئی است نه اساسی یعنی حاصل تئیر ایشان این بود که اصل شرکت بهم نمیخورد و فقط باره موادی که تعیین کرده

بودند بفرمودند بفرمودند و با شعبه در کجا دائر میکنند ولی بنده در عقد شرکت گمان میکنم در تئیری که با تراضی شرکای مخصوصه داده شود این معنایش نفس شرکت سابقه عقد شرکت تائیه است پس بنا بر این بنده شرطش را لازم نمی دانم اساسی و غیر اساسی را نمی فهمم حالا البته یکشرکتی میتواند که تراضی شرکاء هم تجدید یکشرکتی بکنند .

**افتخار الواعظین** - بنده در جلسه قبل يك عرض کردم گویا از خاطر مبارک آقایان نرفته است عرض کردم این قانون وضع نشود برای حفظ حقوق شرکاء این قانون و این مواد نوشته میشود از برای حفظ حقوق اشخاصی که طرف معامله واقع میشوند با اینشرکت مثلاً یکشرکتنامه بنویسند در آن قید میکنند که مثلاً ما با هر کسی طرف معامله میکنیم هیچ وقت معامله مان نسبت نخواهد بود همیشه ما پول نقد معامله میکنیم آن وقت مردم بواسطه اینشرط با آنها طرف میشوند برای اینکه طرف توجه و میل مردم بشود با همجو شرطی میکنند با شرط دیگر حالا اگر بنده نمیتوانم درست عرض بکنم که مثل چه آن نفس از طرف بنده است بهر حال یکشرایطی بوده است که اسباب تشویق مردم بوده است حالا نمیخواهند يك تقلبی بکنند و آنشرایط خوب را بردارند که اگر مردم میدانستند آنشرایط برداشته خواهد شد طرف شرکت واقع نمیشدند و آنشکلی که اول طرف توجه مردم بود حالا آنشکل طرف توجه نیست برای این میگوئیم شرکتنامه را میخواهند تغییرات بدهند باید در شرکتنامه اولی هم بنویسند که فلان ماده و فلانشرط را تغییر دادیم مقصود این است

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است) **رئیس** - سه فقره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود (اول از طرف آقای حاج آقا بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که شرایط سیم نوشته شود - موقع تغییرات شرکتنامه اولی در شرکت نامه تائیباً قید شود (۳) از طرف آقای میرزا کیخسرو بمضمون ذیل خوانده شد)

وقوع تغییرات در شرکت نامه اولی قید و بقامانی که شرکت نامه اولی داده شده در روز - نامه محلی یا مرکزی اعلان شود (۳) از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بمبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در آخر فقره سیم نوشته شود در روز نامجات نیز اعلان شود

**حاج آقا** - از آقا مخبر خواهش میکنم که درست ملاحظه بفرمایند بعراض بنده و عراض بدافعه نباشد بجهت اینکه فرمایشاتیکه فرمودند تمام دلیل عراض بنده بود

**رئیس** - اگر موافق عقیده شان نباشد باید مدافعه بکنند **حاج آقا** - بله مقصود بنده همان است که توجه کنند شاید متقاعد نشوند بنده عرض می کنم يك شرکت نامه نوشته شده همین طور که میفرمایند که شرایطش مطبوع و حالب دقت بشود بموجب آن شرکت نامه که ما نوشتم در روزنامه های محلی یا بخت وسایر روزنامه ها طبع شده مردم بواسطه آن شرایط راغب شده اند بعد امروز می خواهند آن شرکت را

تغییر بدهند و آن طوریکه آقای مخبر توضیح دادند چون نظرشان بهمین شرایط اولی است باید ملتفت باشند که چطور تغییر داده اند کدام یکی از آن شرایط و از آن مواد تغییر کرده در این شرکت نامه تائیباً نوشتیم که تمام شرایط شرکت نامه اولی باید ملحوظ شود از جمله شرایط این بود که در روز نامجات اعلان شود پس باید صورت شرکت نامه که تغییرات داده شد اعلان شود وقتی که اینطور شد آن وقت از همان شرکت نامه عموم مردم ملتفت میشوند که مثلاً ماده اول و دوم و سوم تغییر کرده است وقت دین این شرکت نامه تائیباً ملتفت میشوند که کدام شرایط تغییر کرده است و بعد می بینند که مقصودشان تغییر کرد - است اگر تغییرات در شرکت نامه اولی باشد شرکتنامه اولی محل توجه مردم نیست و کسی هم نمی فهمد مثل يك قانونی است که یکسال پیش قانونی در مجلس وضع کرده ایم و سال دیگر می خواهیم تغییر بدیم بنویسیم که فلان و فلان ماده قانون سال پیش تغییر کرد شرکت نامه را هم وقتی می خواهیم تغییر بدیم باید همانطور بنویسیم و همانطوریکه بنده پیشنهاد کرده ام صحیح است

**رئیس** - کمیسیون قبول می کند

**افتخار الواعظین** - چون پیشنهاد آقای حاج آقا مخالف با عقیده کمیسیون است و مخالف با این ماده است و مخالف آن چیزی است که نوشته شده ناچارم دفاع کنم عرض می کنم آن صوری که می فرمایند شرکتنامه اولی را نوشته اند بوزارت تجارت و عدلیه هم نشان دادند و شرایطی هم آنجا درج شد بعد شرکت نامه دیگری می خواهند بنویسند بعد آن اشخاصی که معامله کرده اند و بینشان اختلافی میشود رجوع میکنند شرکتنامه تائیباً او را بیرون می آورند میگویند شرکت نامه ما این بوده است آنوقت چه خواهند کرد برای اینکه نتوانند مردم را اقوا بکنند برای اینکه مجبور باشند در شرکت نامه اولی قید شود که اگر شرکت نامه تائیباً را خواستند ارائه بدهند در شرکت نامه او مهم قید شده باشد از برای اینکه مردم اغفال نشوند

**رئیس** - رأی میگیریم در اصلاح آقای حاج آقا کسانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - ارباب کیخسرو - توضیحی دارید بفرمایند

**ارباب کیخسرو** - چون در این قانون شرایطی می کنند بجهت بنده پیشنهادی کرده ام اولاً اگر تغییری داده شود باید بقاماتی که شرکت نامه اولی داده شده این شرکت نامه تائیباً هم داده شود که همه آن مقامات از وقوع تغییرات مسبوق شود و در روز - نامه هم اعم از اینکه مرکزی باشد یا محلی آن تغییرات را اعلان بکنند تا اینکه مردم مطلع بشوند

**افتخار الواعظین** - باید در روزنامه اعلان و به وزارت تجارت و عدلیه اطلاع بدهند تمام آن فرمایشان در ذیل آن تائیباً است **رئیس** - رأی میگیریم با اصلاح آقای ارباب کیخسرو آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد آقای حاج شیخ اسدالله توضیحی دارید **حاج شیخ اسدالله** - بنده پیشنهاد خودم را پس میکنم

**رئیس** - رأی می گیریم بماده ۲۰ همین ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۱ (ماده ۲۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۱ - شرکت مختلفه مابین چند نفر مسئول جامع و بلاحد و چند نفر شرکاء دیگر که مسئولیت آنان محدود بخصه آنان است منقسم می شود .

**رئیس** - مخالفی هست **افتخار الواعظین** - بعضی عبارات در چاپ افتاده است بنویسند منقسم میشود که بعنوان شرکت تجارت نمایند (مجدداً ماده مزبور با اضافه جمله اخیر خوانده شد)

**حاج شیخ اسدالله** - توضیح بنده اینست که يك لفظ اینجا اضافه بشود کافی است و آن این است که نوشته شود که (تأسیس میشود) در آخر بنویسند تأسیس میشود کافی است و این عبارت را دیگر لازم ندارد

**ناصر الاسلام** - بنده می خواستم عرض کنم قانون که نوشته میشود مخصوص این قانون شرکتها را که راجع بتمام افراد ملت است باید نحوی نوشت که مرده بقیه معنای آن ها را این خیلی شبیه است ببعضی رساله های که سابق بعضیها می نوشتند بقیه بنده که این عبارت مسئول جامع بلاحد بسیار عبارت بدی است و کسی نمیفهمد

**افتخار الواعظین** - بنده تصدیق میکنم که این عبارت عبارت رساله هم هست ولی در شرکت خصوصی گفتم که مسئول جامع یعنی چه و مسئول بلاحد یعنی چه چون آنجا شرح داده شده است معنیش آن جا معلوم است

**کاشف** - در همین کلمه که محدود بخصه آنها است محدود بخصه کدام است این را توضیح بفرمایند .

**افتخار الواعظین** - شرکت مختلفه این شکل است که يك اشخاصی جمع میشوند مؤسس میشوند مثلاً نفر و آدمی پنجهزار تومان میگذارند و سرمایه خودشان را صد هزار تومان میکنند و آن پنجاه هزار تومان دیگر را از اشخاص دیگر آدمی دوهزار سهمزار تومان میگیرند و بعد شرکت مختلفه را تأسیس میکنند مؤسسين مسئول جامع بلاحد هستند یعنی تا دهم برابر تا پنج برابر وقتیکه شرکت مقروض شد طلبکار حق دارد بهر فردی از افراد مؤسسين رجوع بکنند و طلب خودش را بگیرد ولی آنشرکاء غیر مسئول باندازه سهم خودشان باندازه دوهزار تومان که سهم حصه آنها میشود اگر مقروض شد میدهند اگر زیاد بر آن شرکت مقروض شد آن مؤسسين باید بدهند و غیر مؤسسين باندازه سهم و قسمت خودشان هر کسی هزار تومان داده هزار تومان هر کس دو هزار تومان داده دو هزار تومان باید مقروض شرکت را بدهند .

**آقا سید حسین اردبیلی** - در شرکت

خصوصی يك عبارت بود (که بعنوان شرکتی تجارت نمایند) و اینجا عنوان شد که باید نوشته شود (ب عنوان شرکتی کسب و عمل و معامله برای اینکه تعمیم داده شود و آن پیشنهادم قابل توجه شد گمان میکنم که آن عبارت اینجام لازم باشد .

**افتخار الواعظین** - در کمیسیون اگر چه هنوز در آنخصوص مذاکره نشده ولی آنچه بنده استنباط کردم گویا کمیسیون آنرا رد مینماید بجهت اینکه تجارت ما را باندازه وسیع میداند که کسب و معامله و عمل را هم شامل است .

**رئیس** - ولی ایرادشان صحیح است تا در آن ماده رأی نگیریم نمیشود در این ماده رأی بگیریم **مخبر** - پس تقاضا میکنم این ماده برگردد بکمیسیون (ماده ۲۲ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - در شرکت مختلفه شرکاء مسئول جامع بلاحد بطور لازم ملتزم میشوند بر اینکه در صورتیکه فرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بر دارائی شرکت از قرض بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسئولیت شرکاء قسم دوم محدود بهم آن است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت بر ذمه آنها چیزی وارد نخواهد بود .

**رئیس** - مخالفی هست ؟

**حاج شیخ اسدالله** - در شرکت خصوصی چیزی بوده که بنده عقیده ام اینست که در اینشرکت هم همین مطلب بجهت اعتبار اینشرکت باید قید شود و آن اینست که هر کدام از شرکاء خصوصی شخصاً در شرکت خصوصی ملتزم شده بودند که ده مقابل سرمایه را هر يك از عهده بر آید و در اینشرکت آتقیدرا انداخته اند و بنده عقیده ام اینست که برای اعتبار اینشرکت همان عبارتیکه در شرکت خصوصی بوده قید شود اینجام هر يك از شرکاء ملتزم شوند که شخصاً از عهده بر آید و مازاد از آن راجع بضمان بلاحد باشد و برای اعتبار شرکت این را بنده بهتر میدانم که باین طریق که عرض کردم نوشته شود .

**افتخار الواعظین** - اینجا اشتباه فرموده اند در شرکت مختلفه میگوید شرکاء مسئول جامع بلاحد بطور لازم ملتزم میشوند بر اینکه در صورتی که فرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بر دارائی شرکت بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسئولیت شرکاء غیر مؤسس محدود به سهم آنان است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت بر ذمه آنها چیزی مقروض نخواهد بود و آن قیدی که فرمودند در اینجا بنده گمان میکنم لازم نباشد .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ؟

**حاج امام جمعه** - بعضی اصلاحات عبارتی است که در اول و آخر لازم است اگر مرخص بفرمایید عرض کنم .

**رئیس** - بفرمائید .

**حاج امام جمعه** - اینجا يك فرض مطلبی و يك فرض عبارتی است اما غرض عبارتی این آخراست میگوید (اگر فرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بر دارائی شرکت از قرض بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسئولیت شرکاء



قسم دوم محدود به هم آنست اگر شرکت پیش از دارائی مقروض بشود از نیابت برهنه آنها چیزی متصور نخواهد بود ( مراد از این یعنی از آنقدر زائد بر دارائی آن وقت اینطور میمانند که هر وقت قرض زائد بر دارائی شد دیگر آن قرض برهنه آنها نیست عبارت قانون یک چیزی است که باید واضح باشد مگر باید توضیح بدهد یکی هم چون اینجا خاطر معترم همه آقایان سبق است که حقیقتاً دو شرکت است یکی شرکت فیما بین شرکاء جامع و مسئول که مسئول یکدیگرند و مسئول بلاحد طلبکارانند و یکی شرکتی هم مابین آن اشخاصیکه مسئولیت آنها محدود است همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله گفت راست گفت باید هر دو تا ملتزم شوند یعنی دوالتزام لازم است نسبت بشرکاء جامع و بلاحد یعنی هم باید مسئولیت جامع و بلاحد ملتزم شوند هم نسبت باینشرکاءیکه مسئولیتشان محدود است ملتزم باشند و استعدا میکنم این ماده را مگر معترض محترم قبول کنند که برگردد بکمسیون که تجدید نظری در این باب بشود.

**افتخار الواعظین** - اینجا بنده گمان میکنم وقتی نوشتیم در شرکت (شرکاء مسئول جامع و بلاحد الی آخر) تصور میکنم مقصود آقای حاج امام جمعه را خود این ماده برساند و البته در هر دو مورد ملتزم میشوند یعنی ملتزم میشوند که قرض شرکت را برهنه ماست لیکن سایرین بانساز سه نشان مسئول خواهند بود حالا اگر باز عبارت را کافی نمایند برگردد بکمسیون **رئیس** - چند دقیقه تفرغ داده میشود (بعد از نفس مجدداً جلسه تشکیل شد) **رئیس** - بشما مگر کمسیون پیشنهاد کرده اند قرائت میشود. ( ماده ۲۲ پیشنهاد مگر کمسیون عبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۲۲. مسئولیت شرکاء مسئول موافق ماده دوم خواهد بود. **رئیس** - مخالفی هست. **حاج امام جمعه** - عرض میکنم اینکه نوشته اند خیلی خوبست ولی یک کلمه ( در بین خودشان ) را هم بگذارند چون اینجا دو مسئولیت است یکی نسبت بقرض شرکت و یکی نسبت بخودشان اگر در بین خودشان بگذارند خیلی خوبست.

**افتخار الواعظین** - گمان میکنم فرمایش آقای حاج امام جمعه را هم اینجاده میسراند بجهت اینکه ما در ماده دوم گفتیم مسئول جامع اینست که شرکاء بطور لازم ملتزم شرعی بشوند که قروض شرکت بانساز در برابر سرمایه برسد هر کدام از طلبکارها از هر کدام از شرکاء مطالبه نمایند باید بدهند و بعد از همدیگر بقدر حصه خودشان بگیرند و اینجا نوشته ایم ( که مسئولیت جامعه شرکاء مسئول موافق ماده دوم خواهد بود )

**رئیس** - مخالفی هست. **زنجانی** - بگردد بکمسیون بخواهند (مجدداً ماده ۲۲ پیشنهادی مگر قرائت شد. **آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - شرکاء همه مسئولند منتهی دو قسم مسئولیت است یکی مسئول جامع و بلاحد است و یکی جامع و بلاحد نسبت پس

باید اینطور نوشت مسئولیت جامع بلاحد موافق ماده دوم خواهد بود. **افتخار الواعظین** - مامسئولیت جامعه را در ماده دوم تعریف کردم که مرادمان چیست و در اینجا هم بنظر میگویم که مطابق آن مسئول خواهند بود.

**کاشف** - این ماده مخالف است با آنچه گذشت یعنی ماده دوم و سوم و چهارم ماده اول را میگویند بکمسیون رفته است در ماده چهارم میگویند مسئولیت بلاحد و مسئولیت بلاحد حد بردار نیست خواه ده برابر خواه صد برابر اگر آنکله را میگذارند این را بردارند اگر این را میگذارند آنرا بردارند.

**افتخار الواعظین** - این مطالبی است که گذشته است خوب است خاطر مبارکشان را متوجه میفرمودند یک مسئولیت جامع است یکی بلاحد این که عنوان است مسئولیت جامع آنست که تا ده برابر یا بیست برابر هر کدام از طلبکارها میتوانند از هر کدام از شرکاء مطالبه کنند آنها مسئولند مسئولیت جامع آنست که اگر قرض شرکت بصد برابر رسید شرکاء مسئولند لیکن هر کدام بانساز سهم خودشان نه اینکه تمام قرض را از هر یک فرد فرد بتوانند مطالبه کنند مسئولیت جامع است نه مسئولیت بلاحد **بجهت** - این قسمت اولی که نوشته شده است بسیار صحیح است ولی متمم دارد یعنی باید در آخر نوشته شود که شرکاء غیر مسئولیت فقط نسبت بحصه خودشان مسئولند چون اگر این قید را نکنیم چنین میماند که مسئول حصه آنها هم هستند باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام.

**افتخار الواعظین** - ماده (۲۱) شرح میدهد و مستثنی میکنند ما را از فرمایش آقای بجهت. **رئیس** - دیگر مخالفی نیست. **کاشف** - آقای مخر در زمان مدافعه همیشه اظهار میکنند که ملتفت نمیشوند در صورتیکه بخوبی ملتفت هستیم در صورتیکه در راپورت آقای کمسیون هم نوشته اند مسئولیت جامع بلاحد و بلاحد را قید گرفته اند این معنی شود یا بلاحد شود.

**رئیس** - دوم تیر ماه ۲۳ قرائت میشود (مجدداً قرائت شد). **رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند). **رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۳ (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده ۲۳. شرایط تشکیل شرکت مختلفه همان است که در مواد ششالی بیست ذکر شد. **رئیس** - مخالفی هست.

**حاج سید ابراهیم** - چون در آن مواد تمام شرایط نبود بلکه یک ترتیب قانونی هم بود که حک نشود چه نشود چه نشود خوب است نوشته شود ( شرایط و ترتیب تشکیل شرکت مختلفه ) و ماده (۱) الی (۲۲) هم فقط است (۱) الی (۲۰) باید بنویسند.

**افتخار الواعظین** - ما از برای تشکیل شرکت خصوصاً گفتیم که شرایط تشکیل شرکت از قرار شرایط ذیل است و هر کدام که

مراعات شود اسباب عدم تشکیل شرکت است در اینجا هم مقصود این است که اینتید بشود که تمام آن شرایطی که اینجا ذکر شده است اینجا هم رعایت شود و کافی خواهد بود. **رئیس** - دیگر مخالفی نیست. دوم تیر قرائت میشود (مجدداً قرائت شد).

**رئیس** - رای میگیریم بماده ۲۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۴ (ببابت ذیل قرائت شد) ماده ۲۴. شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند فقط حق آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت اعمال شرکاء مسئول است.

**رئیس** - مخالفی هست. **معین الرعايا** بنده جمله اخیر این ماده را باید اصلاح صحیح میدانم که شرکاء غیر مسئول حق تفتیش و نظارت شرکت داشته باشند بجهت اینکه ممکن است یک شرکت صد هزار تومانی بین چند نفر منقسم شود بماد آن ده نفر بنحرف هر مهر یکی صد تومان بنحاف تومان بدهند شرکاء شوند و بعد هر روز بروند آنجا بگویند که ما میخواهیم دفتر شمارا نگاه کنیم و همه اوقات موی دفاع آنها شوند این سبب میشود که بکلی رشته نظم آن شرکت از هم میبافت عقبه بنده این است که این جمله اخیر بکلی برداشته بیاگر لازم است این را میگوید بیک قیدی میکنند و الا ممکن نیست شرکت کار خودش را بکنند.

**افتخار الواعظین** - این فرمایشی که فرمودید در مجلس در ضمن شوراول و در کمسیون هم مکرر مذاکره شده است اینجا مافقط میگویم که حق آنها نظارت و تفتیش است ولی اینکه فرد فرد آنها هم روزی بروند تفتیش بکنند آنرا مانع میگویم البته آن شرکت برای خودش یک نظامنامه داخلی خواهد داشت ترتیب تفتیش و ایک نوبی معین خواهد کرد و باید بنشینند و از میان خودشان شرکاء غیر مسئول بکلیتی با هم هیئت ناظره معین کنند که آنها ناظر باشند چه شکل هم ناظر باشند که شرکاء غیر مسئول حق نداشته باشند همه روزی بروند و هر فرد فرد حق نداشته باشند هر روز بروند بگویند ماد فتر شمارا میخواهیم ببینیم فقط اینجا حق ایشان میدهم اما آنحق چطور باید اعمال شود چطور باید آنکار را بکنند آیا بیک هیئتی بگذار خواهند کرد و سه ماهه به ماه حق تفتیش داشته باشند یا ماه بیا ماه حق تفتیش داشته باشند آنهادیگر راجع بعود هیئت شرکت است در نظامنامه داخلی خود شرکت مراعات میشود و اینجا آقای معین الرعايا بخواهند حق تفتیش و نظارت را از شرکاء غیر مسئول سلب نمایند عرض میکنم پس مردم بجهت اطمینان و اعتبار پول خودشانرا بشرکت داده.

**حاج وکیل الرع** یا در نظامنامه داخلی نمیتواند آن قوه را داشته باشد که قانون دارد قانون حق میدهد که حق تفتیش دارد و این خیلی میتواند سبب شود برای اینکه کارها دچار بعضی اقراض بشود باینجهت گمان میکنم که تفتیش هم یکی از اعمالیست که باید باشد تا مردم بتوانند با سرمایه مختلفه کار نمایند میتوان

حق این تفتیش را داد ببرد که سالی یکمرتبه حق تفتیش داشته باشند یا عجلتاً هر ۶ ماه یکمرتبه میتوان اینحق تفتیش را داد اظهارات آقای معین الرعايا را هم تفتیش میکنم و هیئت میدهم و گمان میکنم که خیلی زحمت بزرگی فراهم خواهد آورد و اخیراً هم عرض میکنم که فرمایش آقای مخر هم نمیتواند ما را قانع بکند که فقط مردم به نظامنامه تسامح خواهند کرد.

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده بنده سلب کردن حق تفتیش از نظارت شرکاء مسئول و غیر مسئول با قائل شدن باینکه آنها هم شرکاء هستند این مسئولیت را ندارند بجهت اینکه آنها را از تمام حقوق ممنوع میکنند که بهیچوجه مداخله در کارهای شرکت ندارند و مداخله در معاملات نمیتوانند بکنند و اگر ایضا هم بگویم تفتیش بکنند دیگر بچه اطمینان و ترتیب شرکت بکنند و اینهم معلوم است که ممکن نیست که بدون یک ترتیبی تفتیش و نظارت داشته باشند لابد یک ترتیبی معین خواهد شد برای تفتیش و در نظامنامه شرکت این ترتیب تعیین خواهد شد و آن ترتیب هم ابتدا اشکان خواهد داشت و اگر آن حق هم سلب شود دیگر اطمینانی برای شرکت باقی نخواهد ماند.

**آقا شیخ علی شیرازی** - اینجا دارد شرکاء بهیچوجه حق ندارند برای شرکت معامله نمایند لیکن را بنده نمیفهم بجهت اینکه شرکاء غیر مسئول را مثل یک شخص خارجی فرض میکنیم و اگر این وقتی لازم شد برای یک خرید تریاکی یک شخص امینی را که فعال باشد و از شرکاء غیر مسئول باشد بخواهند بفرستند این ماده مخالفت میکند پس اگر با اجازه آنها باشد این مثل و کالتی است از طرف اینها این ضرر دارد این را بنده میخواهم بفهمم توضیح بدهید **افتخار الواعظین** مراد از اینکه حق هیچگونه مداخله در امور شرکت ندارد معنی این است که اگر تمام شرکاء جمع شدند و یک قدری پول باو دادند که برود از فرانچا جنس برای آنها بخرد نتواند اینطور نیست بلکه مقصود اینست که خودش بدون اجازه آنها و بدون ترفی خاطر آنها حق ندارد و برای اینکه امور در مجرای خودش بطور صحت جریان و دوران داشته باشد باید بگویم که حق مداخله در امور شرکت ندارد حالا اگر تمام شرکاء بخواهند برای یک مسئله بخصوص حق باو بدهند این یک مسئله دیگری است.

**حاج شیخ علی خراسانی** - پس بنابراین توضیحی که آقای مخر دادند خوبست یک کلمه اضافه شود که مگر با اجازه مخصوص والا اینکه نوشته میشود بهیچوجه حق مداخله در اداره کردن شرکت ندارد اگر خود شرکت لازم دانست که یک کسی و داخل در شرکت نماید یا او را داخل در اداره یا رئیس شمه بکند او نخواهد توانست مگر اینکه اضافه شود مگر با اجازه مخصوص.

**افتخار الواعظین** - آنوقت میفرمایند با اجازه مخصوص آن ا ازه مخصوص وقتی کداده شد مدیر میشود ما هم در شرکت نامه گفتیم که اختیارات مدیر چیست و مدیر خودش میتواند مداخله بکند اگر بخواهد مداخله بکند. **کاشف** - این ماده بقیه بنده بکلی برخلاف

مقصود است و برخلاف زحمانی است که کشیده شده است برای آمدن این قانون بجنس برای اینکه همه میدانند که تجارت یک اسراری دارد و هیچکس نمیتواند در اسرار تجارت همه روزه برود رسیدگی کند و اگر آنکسی که یک جزئی شرکتی داشته باشد و هر کس که یک جزئی برای شرکت داده همه روزه برود رسیدگی و تفتیش و نظارت بکند ابتدا این شرکت هرگز نمیتواند دارای اسراری باشد و کار بکنند و این ماده عبارت اول و آخرش باهم متناقض است بجهت اینکه در اولش میگوید حق هیچ نوع مداخله ندارند و در آخرش میگوید که حق آنها تفتیش و رسیدگی است در صورتیکه شما در یکی از مواد نوشته اید که در هر ششماه صورت حساب میدهند دیگر این لازم نیست و ممکن است خود این شخص هم کاین تفتیش را می کند برای خود این شرکت اینکار را نکند و خودش هم داخل در امور تجاری نباشد که بداند و این بکلی مخالف است با آن مقصودی که داشته است.

**رئیس** - حالا مذاکرات کافی است. **مخر** - بفرمائید اصلاحات را بخواهند. **رئیس** - اصلاحات خوانده میشود ( ببابت ذیل قرائت گردید ).

از طرف ادیب التجار - این بنده این اصلاح عبارت را تقدیم مینمایم فقط آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت بدفاتر و اعمال شرکاء مسئول است. از طرف لواءالدوله بنده پیشنهاد میکنم که این جمله در آخر ماده ۲۴ اضافه شود با ترتیبیکه در نظامنامه داخلی شرکت مذکور است.

از طرف حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت باخر ماده الحاق شود موافق نظامنامه داخلی شرکت.

**رئیس** - این سه فقره اصلاح راجع بیک مطلب است یا فقره هم از آقای مدرس رسیده است بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۴ چنین نوشته شود شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص سایر شرکاء الخ.

**ادیب التجار** - حق نظارت و تفتیش بیشتر راجع بدفاتر میشود برای اینکه در آنجا حساب شرکت نوشته شده است و این حق را از احدی از شرکاء نمیتوان سلب کرد که بدفاتر رسیدگی بکنند اما اینکه میفرمایند سه ماه سه ماه یا ماه ششماه این حسابها نوشته خواهند شد البته آن راجع بنظام نامه است و بنده در قانون رسیدگی بدفاتر را لازم میدانم گمان میکنم آقای مخر هم قبول فرمایند.

**رئیس** - آقای مخر قبول دارند. **افتخار الواعظین** - البته حق رسیدگی باعمال شامل دفاتر و غیره هم هست.

**دکتر اسمعیل خان** - این ایرادیکه آقایان میفرمایند گمان میکنم کفالبشان صحیح است اینکه بگویند بکنند شرکاء در یک کمیانی حشش چه چیز است حشش اینست که از روی دفاتر رسیدگی بکند باعمال شرکت مطابق یک نظامنامه داخلی که خود شرکت معین میکند که مثلاً هر ۶ ماه بششماه حق میدهد که آنها رسیدگی بکنند این یکی از ایرادها اینست که خیلی بجا بوده است و اینکه آقای زنجانی

پیشنهاد کرده اند که مطابق نظامنامه باشد صحیح است مطابق نظامنامه است که خود شرکت حشش میدهد. **رئیس** - راجع به پیشنهاد آقای ادیب - التجار بفرمائید.

**دکتر اسمعیل خان** - در آن پیشنهاد عرض کردم اینهم متعلق باوست غرض اینست که اگر اینهم جزء شود یک ماده قانونی خواهد شد بهتر است.

**معین الرعايا** - اساساً هیچ نمیتوان منکر شد که هر کاری یک تفتیش دارد اما اینکه آقای - ادیب التجار پیشنهاد کردند تحت ترازا باورت کمیسیون است بلکه شرکاء مسئول هم یک حدی باید داشته باشند در تفتیش نسبت بمدر چنانچه عرض کردم این جمله اخیر بر داشته شود. فقط برای شرکاء غیر مسئول ۶ ماه بششماه کافی است که یک صورتی میدهند در آن موقع بصورت حساب رسیدگی بشود و الا ممکن نیست یک شرکت صد هزار تومانی ده نفر بیست نفر یکی ده تومان بخواهند بدهند و هر روز بخواهند بروند رسیدگی بدفاتر بکنند اینها غیر ممکن است و بکلی نظم و ترتیب دفاتر آنها را بهم میزند.

**رئیس** - قبل از اینکه رای بگیریم به پیشنهادها چون آقای کاشف تقاضا کرده اند عودت داده شود بکمسیون و این تقاضا حق تقدیم دارد به تقاضای ایشان رای میگیریم آقایانیکه تقاضای آقای کاشف را تصویب میکنند قیام نمایند ( بعضی قیام نمودند ).

**رئیس** - تصویب نشد رای میگیریم باصلاح آقای ادیب التجار آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند ). **رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم باصلاح آقایان زنجانی و حاج سید ابراهیم و لواءالدوله.

**افتخار الواعظین** - بنده قبول میکنم نوشته شود موافق نظامنامه داخلی.

**رئیس** - اصلاحی از طرف آقای مدرس رسیده است خوانده میشود. ( مجدداً اصلاح آقای مدرس خوانده شد ).

**آقای مدرس** - چون مراد همین بود که شرکاء و مسئول فی حد ذاته دخالت بکنند و شرکاء غیر مسئول بدون اجازه شرکاء مسئول حق دخالت نداشته باشند الا باذن خارجی و دخالت خارجی لهذا تصریح باین مسئله باشد بهتر است ظاهراً آقایان منکر این مسئله نباشند.

**رئیس** - آقای مخر چه میفرمایند. **مخر افتخار الواعظین** - عرض کردم قبول دارم نوشته شود شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص شرکاء مسئول.

**رئیس** - اگر اصلاح را قبول کردید بفرمایید همان طور نوشته شود حالا ماده با اصلاحی که شده است خوانده میشود. ( ببابت ذیل خوانده شد ) ماده ۲۴. شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص سایر شرکاء بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و فقط حق آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت اعمال شرکاء مسئول است ( در این موقع بعضی اجازه خواستند )

**رئیس** - دیگر نمیشود مذاکره کرد مذاکره شد اصلاحات هم خوانده شد رای میگیریم آقایانیکه